



شنبه بیستم فروردین ماه ۱۴۰۱

سال هفتاد و هشتم شماره ۲۲۴۴۴

روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

قوه قضائیه

شامل: قوانین - مذاکرات مجلس شورای اسلامی - رویه‌های قضائی - عهدنامه‌ها - آئیننامه‌ها

WWW.RRK.IR

WWW.DASTOUR.IR

تصویب‌نامه‌ها - تصمیم‌نامه‌ها - اساسنامه‌ها و آگهیها

تک شماره ۴۵۰۰ تومان

صفحه	دستگاه اجراءکننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۲	سازمان بهزیستی کشور	۱۴۰۰/۱۰/۱۴	رأی شماره‌های ۲۶۷۵ الی ۲۶۷۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: اطلاق بند ۵ بخشنامه شماره ۱۳۹۸/۷/۱۵-۹۰۰/۹۸/۹۳۳۷۷۰ رئیس سازمان بهزیستی کشور مبنی بر عدم صدور مجوز برای بستگان درجه یک حائزین سمتهای ذکر شده در بند ۱ بخشنامه (شامل پدر، مادر، خواهر، برادر، پسر، دختر و همسر)، بدون در نظر گرفتن حقوق افرادی که پیش از این و به موجب مقررات حاکم، مجوز مراکز را اخذ کرده‌اند، با حقوق مکتسبه گروه اخیر منافات دارد، بنابراین ابطال شد
۴	بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی	۱۴۰۰/۱۱/۱۲	رأی شماره‌های ۲۹۴۰ و ۲۹۴۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بخشنامه شماره ۵۴۶۲۳-۱۳۹۹/۳/۲۷ و بخشنامه شماره ۲۶۳۶۱۸-۱۳۹۹/۱۱/۱۲ معاون اداری و پشتیبانی بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی که متضمن عدم پرداخت و قطع برخی از مزایای تابع شغل شاغل به جهت عدم تقاضای بازنشستگی است، ابطال شد
۶	وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی	۱۴۰۰/۱۱/۱۲	رأی شماره ۲۹۵۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: اطلاق نامه شماره ۲۳۷۵۲۱-۱۳۹۵/۱۲/۸ مدیرکل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در حدی که در نظریه فقهای شورای نگهبان آمده است که اعلام کرده «اتفاق بخشنامه مورد شکایت در مواردی که شرایط صحت شرعی تهاوتر وجود ندارد، خلاف شرع شناخته شد» از تاریخ تصویب ابطال شد
۷	دفاتر اسناد رسمی	۱۴۰۰/۱۱/۱۲	رأی شماره ۲۹۵۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بند ۶ از قسمت مربوط به ویژگیهای چکهای مورد تقاضا در ماده ۲ شیوهنامه پذیرش درخواست اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا از طریق دفاتر اسناد رسمی که براساس آن مقرر شده است که درج عباراتی از قبیل بابت تضمین انجام کار یا امانت و ... در متن چک مانع از پذیرش نمی‌باشد، ابطال شد
۸	هیأت وزیران	۱۴۰۰/۱۱/۱۲	رأی شماره ۲۹۵۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: حکم مقرر در ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۲۱ و ماده ۱۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری (موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۰۴۶۱/۴۴۲۹۵-۱۳۸۹/۱/۳۱ هیأت وزیران) در خصوص مأموریت کارمندان رسمی یا پیمانی دستگاههای اجرایی مستثنی شده در ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری و نیز مأموریت اعضای هیأت علمی رسمی یا پیمانی به دستگاههای اجرایی مشمول قانون مذکور، ابطال شد
۱۰	دفتر نظارت بر اجرای اسناد رسمی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور	۱۴۰۰/۱۱/۹	رأی شماره ۲۹۶۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بخشنامه شماره ۱۰۲۹۱/۹۹-۱۳۹۹/۱/۳۰ مدیرکل دفتر نظارت بر اجرای اسناد رسمی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در حدی که دادگاه حکم بر اعسار از پرداخت محکوم به موضوع اجرای اسناد رسمی صادر می‌کند و متضمن غیرقابل اثر بودن رأی صادره توسط مرجع قضایی است ابطال می‌شود
۱۱	وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی	۱۴۰۰/۱۱/۱۲	رأی شماره ۲۹۷۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: آیین‌نامه انضباطی دفاتر مشاوره شغلی و کاریابی غیردولتی خارجی (موضوع بخشنامه شماره ۱۸۷۰۰-۱۳۹۴/۲/۸ مدیرکل دفتر هدایت نیروی کار و کاریابی‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) ابطال شد. صورت جلسه کمیته انضباطی دفاتر مشاوره شغلی و کاریابی‌های خارجی موضوع ۱۳۹۸/۶/۲۴ قابل طرح در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیست و به شعبه دیوان ارجاع می‌شود
۱۲	سازمان اداری و استخدامی کشور	۱۴۰۰/۱۱/۱۶	رأی شماره ۲۹۷۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: عبارت «وضعیت شغلی آنان در سیستم سجایا بیکار ثبت شده باشد» از بند ۴ بخش چهارم امتیازات و سهمیه‌های قانونی قسمت «ب» سهمیه اینترگران از دفترچه راهنمای ثبت نام پنجمین آزمون استخدامی دستگاههای اجرایی در تیرماه ۱۳۹۷ ابطال شد

صفحه	دستگاه اجراء کننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۱۴	وزارت نفت	۱۴۰۰/۱۱/۱۶	رأی شماره ۲۹۷۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بخشنامه شماره ۷۳۱-۲/۲۰ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۴ وزارت نفت که برای تبدیل وضعیت مشمولین قراردادی، وقت به کارمند رسمی شرط سنی تعیین کرده است ابطال شد
۱۴	وزارت نفت	۱۴۰۰/۱۱/۱۶	رأی شماره ۲۹۷۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بند ۳ بخشنامه شماره ۲۹۲۲۲۸-۱۴۰۰/۷/۲۹ مدیر کل تدوین و هماهنگی مقررات اداری و استخدامی وزارت نفت در خصوص جلوگیری از ورود کارمندان دولتی به ادارات از آنجا که مغایر با مصوبه ستاد ملی مدیریت بیماری کرونا است ابطال شد
۱۵	نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران	۱۴۰۰/۱۱/۱۶	رأی شماره ۲۹۷۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: تعیین سقف سنی برای استخدام فرزندان شهدا، جانبازان و ایثارگران در آگهی استخدام سال ۱۴۰۰ نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ابطال شد
۱۶	دانشگاه بیرجند	۱۴۰۰/۱۱/۱۶	رأی شماره ۲۹۸۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بند ۱۰ مصوبه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۵ هیأت رئیسه دانشگاه بیرجند (ابلاغی به شماره ۱۳۹۷/۵/۲۹۶۳۷-۱۳۹۷/۱۲/۲۸) از آن جهت که براساس آن کلیه اعضای که عضو هیأت رئیسه دانشگاه نیستند، از حق ذخیره مرخصی محروم شده‌اند ابطال شد

قوانین و مقررات عمومی

.....

شماره ۹۹۰۱۵۲۳

۱۴۰۰/۱۲/۹

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه‌های ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۶۷۵ الی ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۶۷۸ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۴ با موضوع: «اطلاق بند ۵ بخشنامه شماره ۹۰۰/۹۸/۹۳۳۷۷۰-۱۳۹۸/۷/۱۵ رئیس سازمان بهزیستی کشور مبنی بر عدم صدور مجوز برای بستگان درجه یک حائزین سمتهای ذکر شده در بند ۱ بخشنامه (شامل پدر، مادر، خواهر، برادر، پسر، دختر و همسر)، بدون در نظر گرفتن حقوق افرادی که پیش از این و به موجب مقررات حاکم، مجوز مراکز را اخذ کرده‌اند، با حقوق مکتسبه گروه اخیر منافات دارد، بنابراین ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیر کل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۰/۱۴ شماره دادنامه: ۲۶۷۷ شماره پرونده: ۹۹۰۱۵۲۳

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: خانم زهرا حسین پور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۵ بخشنامه شماره ۹۰۰/۹۸/۹۳۳۷۷۰ -

۱۳۹۸/۷/۱۵ رئیس سازمان بهزیستی کشور

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال بند ۵ بخشنامه شماره ۹۰۰/۹۸/۹۳۳۷۷۰ -

۱۳۹۸/۷/۱۵ رئیس سازمان بهزیستی کشور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته به طور خلاصه اعلام کرده است که:

«اینجانب در سال ۸۸ مرکز مددکاری بهزیستی تأسیس کرده‌ام؛ در حال حاضر سازمان تصمیم به تأسیس «مراکز مثبت زندگی» کرده و از افرادی که مرکز دارند خواسته مجوز این مرکز را اخذ کنند در غیراین صورت به مراکز قبلی اعتباری تعلق نمی‌گیرد؛ اینجانب مراحل اولیه ثبت مرکز را انجام داده و در مرحله مصاحبه امتیازات لازم را کسب کرده و تأیید شده‌ام اما چون برادرم در شهرستان دیگری غیر از محل فعالیت بنده رئیس بهزیستی است مشمول بخشنامه تعارض منافع شده‌ام در حالی که برادرم ۵ سال بعد از افتتاح مرکز بهزیستی کارمند بخش دولتی شده است؛ با توجه به اینکه بند ۱ این بخشنامه مغایر با اصل ۲۸ قانون اساسی است تقاضای ابطال آن را دارم.»

در پی اخطار رفع نقیصه که از طرف دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای شاکي خانم زهرا حسین پور ارسال شده بود، وی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۹۹-۱۵۲۳-۲ تا ۴-۱۳۹۹/۶/۲۶ ثبت دفتر هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده توضیح داده است که:

«در خصوص رفع نقیصه پرونده اینجانب مربوط به بند ۱ بخشنامه شماره ۹۰۰/۹۸/۹۳۳۷۷۰ - ۱۳۹۸/۷/۱۵ می‌باشد در خصوص بند ۲ اینجانب نه وکیل حقوقی

می‌باشم و نه اطلاع کاملی از قوانین دارم ولی تا آنجا که می‌دانم این بخشنامه مغایر با اصل ۲۸ قانون اساسی که مبتنی بر آزادی انتخاب شغل است می‌باشد. من این شغل را ۱۴ سال پیش با علاقه شخصی شروع کرده‌ام و کارم نیز غیردولتی بوده و در تمامی این سالها با جان و دل کار کرده‌ام و فرصت‌های شغلی زیادی را از دست داده‌ام. در حال حاضر من در یک شهر مرکز بهزیستی غیردولتی دارم و همان طور که می‌دانید روال اداری هر شهر از شهر دیگر مجزاست تعارض منافع می‌شود برای افرادی که با هم زندگی می‌کنند مثل زن و شوهر یا پدر و فرزند مجرد نه خواهر و برادر متاهل که جدا از هم در دو شهر متفاوت زندگی و کار می‌کنند، خواهشمندم رسیدگی بفرمایید.»

متن بخشنامه مورد شکایت به شرح زیر است:

«مدیران کل محترم بهزیستی استان‌ها

با احترام، پیرو بخشنامه شماره ۹۰۰/۹۸/۹۳۰۳۵ - ۱۳۹۸/۷/۱۴، با عنایت به لزوم برخی تغییرات لازم در مفاد بخشنامه مذکور، ضمن انجام اصلاحات ذیل تاکید می‌نماید بخشنامه حاضر ملاک عمل و اقدام می‌باشد. در راستای اجرای سیاستهای کلان سازمان، ضمن تاکید هر چه بیشتر بر مدیریت تعارض منافع و شفاف‌سازی فعالیت‌های جاری، برابر مصوبه هجدهمین جلسه شورای معاونین سازمان مورخ ۱۳۹۸/۶/۱۲، مقتضی است دستور فرمایید نسبت به انجام موارد ذیل اقدام لازم معمول گردد.

۱- از تاریخ ارسال این بخشنامه، از صدور هرگونه موافقت اصولی، پروانه فعالیت و پروانه تأسیس مراکز بهزیستی مندرج در بندهای ۱۳ گانه ماده ۲۶ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت برای اشخاص ذیل خودداری گردد:

رییس و معاونین سازمان، مشاوران رییس و مشاوران معاونین سازمان، مدیران کل ستادی و استانی، معاونین و مشاورین مدیران کل ستادی و استانی، روسای بهزیستی شهرستانها و معاونین ایشان، کارشناسان ناظر و کارشناسان مسئول، مدیرکل حراست، معاون و کارشناسان مربوطه، مدیرکل مدیریت عملکرد، معاون و کارشناسان مربوطه، روسای واحدهای اداری مالی و اشتغال، مسئولان و کارشناسان مدیریت عملکرد، مسئولان و کارشناسان حراست، مدیرکل حقوقی و کارشناسان مربوطه و مسئولان امور حقوقی و کارشناسان آنها در بهزیستی سراسر کشور.

۲- چنانچه افراد فوق‌الذکر در حال حاضر مجوز فعالیت از بهزیستی استان مربوطه و یا بهزیستی کشور را دارند، باید نسبت به واگذاری امتیاز مرکز در حال فعالیت خود، حداکثر ظرف مدت ۳ ماه، به مؤسسات خیریه‌ای که قبل از تاریخ ابلاغ این بخشنامه به ثبت رسیده‌اند، اقدام و در صورت عدم تمایل به واگذاری مرکز می‌بایست از سمتهای مذکور کناره‌گیری نمایند.

۳- عضویت افراد مورد اشاره در بند ۱ در مؤسسات خیریه در قالب هیأت امناء، هیأت‌مدیره و مدیرعامل ممنوع بوده و چنانچه در هیأت امناء، هیأت‌مدیره و یا مدیرعامل مؤسسه یا مؤسسات خیریه عضویت دارند می‌بایست از عضویت مذکور کناره‌گیری نمایند.

۴- افراد مورد اشاره در بند ۱ می‌بایست از هرگونه فعالیت (تخصصی، اداری، خدماتی و ...) در مراکز غیردولتی (مراکز حقیقی یا حقوقی) سازمان بهزیستی تحت عنوان مسئول فنی، به صورت تمام وقت و یا پاره وقت خودداری نمایند.

۵ - صدور مجوز برای بستگان درجه یک افراد ذکر شده در بند ۱ شامل پدر، مادر، خواهر، برادر، پسر، دختر و همسر ممنوع می‌باشد.

۶ - از تاریخ ابلاغ این بخشنامه، نامه شماره ۷۰۰/۹۲/۱۵۴۲۲ - ۱۳۹۲/۲/۱۷ کان لم یکن تلقی می‌گردد.

۴- بر اساس ماده ۸۷ قانون مدیریت خدمات کشوری ساعات کار کارمندان دولت چهل و چهار ساعت در هفته می‌باشد و ترتیب و تنظیم ساعات کار ادارات با پیشنهاد سازمان امور استخدامی کشور و تصویب هیأت وزیران تعیین می‌گردد و تغییر ساعات کار کارمندان در موارد ضرور با رعایت سقف مذکور با دستگاه ذی‌ربط می‌باشد و همچنین بر اساس ماده ۹۰ همان قانون کارمندان دستگاه‌های اجرایی موظف می‌باشند وظایف خود را با دقت، سرعت، صداقت، امانت، گشاده‌رویی، انصاف و تبعیت از قوانین و مقررات عمومی و اختصاصی دستگاه مربوطه انجام دهند و در مقابل عموم مراجعین بطور یکسان و دستگاه ذی‌ربط پاسخگو باشند و هرگونه بی‌اعتنایی به امور مراجعین و تخلف از قوانین و مقررات عمومی ممنوع می‌باشد، ارباب رجوع می‌توانند در برابر برخورد نامناسب کارمندان با آنها و کوتاهی در انجام وظایف به دستگاه اجرایی ذی‌ربط و یا به مراجع قانونی شکایت نمایند.

۵- بر اساس بند (الف) ماده ۱ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰/۲/۲۹ مجلس شورای اسلامی، فساد در این قانون هرگونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا حقوقی به صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً غیرمستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زیانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی و یا جمعی از مردم وارد نماید نظیر رشاء، ارتشاء، اختلاس، تبانی، سوءاستفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت و پرداخت‌های غیرقانونی از منابع عمومی و انحراف از این منابع به سمت تخصیص‌های غیرقانونی، جعل، تخریب یا اختفاء اسناد و سوابق اداری و مالی می‌باشد.

۶- همانگونه که بیان شد براساس ماده ۸۷ قانون مدیریت خدمات کشوری ساعات کار کارمندان دولت چهل و چهار ساعت در هفته می‌باشد و همچنین بر اساس ماده ۹۰ همان قانون کارمندان دستگاه‌های اجرایی موظف می‌باشند وظایف خود را با دقت، سرعت، صداقت، امانت، گشاده‌رویی، انصاف و تبعیت از قوانین و مقررات عمومی و اختصاصی دستگاه مربوطه انجام دهند و در مقابل عموم مراجعین بطور یکسان و دستگاه ذی‌ربط پاسخگو باشند و هرگونه بی‌اعتنایی به امور مراجعین و تخلف از قوانین و مقررات عمومی ممنوع می‌باشد و همچنین بر اساس ماده ۱ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰/۲/۲۹ مجلس شورای اسلامی فساد در این قانون هرگونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی، صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً و با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد.

۷- در همین راستا و با توجه به بخشنامه شماره ۹۰۰/۹۸/۹۳۰۳۵ - ۱۳۹۸/۷/۱۴ ریاست سازمان بهزیستی کشور و به منظور جلوگیری از تخلفات قانونی بیان شده رئیس و معاونین سازمان بهزیستی، مشاوران رئیس و مشاوران معاونین سازمان بهزیستی، مدیران کل ستادی و استانی، معاونین و مشاورین مدیران کل ستادی و استانی، روسای بهزیستی شهرستان‌ها و معاونین ایشان، کارشناسان ناظر و کارشناسان مسئول، مدیرکل حراست، معاون و کارشناسان مربوطه، مدیرکل مدیریت عملکرد، معاون و کارشناسان مربوطه، روسای واحدهای اداری مالی و اشتغال، مسئولان و کارشناسان مدیریت عملکرد، مسئولان و کارشناسان حراست، مدیرکل حقوقی و کارشناسان مربوطه و مسئولان امور حقوقی و کارشناسان آنها در بهزیستی سراسر کشور از تاریخ ارسال این بخشنامه از صدور پروانه تأسیس مراکز بهزیستی برای این اشخاص خودداری می‌گردد و در صورت داشتن مجوز این افراد می‌بایست ظرف مدت ۳ ماه نسبت به انتقال امتیاز خود به مؤسسات خیریه‌ایی که قبل از تاریخ این بخشنامه به ثبت رسیده اقدام نماید.

با توجه به اینکه افراد احصاء شده در بخشنامه شماره ۹۰۰/۹۸/۹۳۰۳۵ - ۱۳۹۸/۷/۱۴ ریاست سازمان بهزیستی به اطلاعات، قدرت و منابع مالی دسترسی داشته، در راستای اجرای قوانین، ریاست سازمان بهزیستی به منظور جلوگیری از هرگونه فساد اداری و ایجاد هرگونه رانت و ارتباط و همچنین بستن گلوگاه‌های فساد اداری اقدام به صدور این بخشنامه کرده است تا کارمندان برابر قانون در ساعات اداری در محل کار خود حضور داشته و در چارچوب قوانین به ارائه خدمات به اشخاص اقدام نمایند و در صورتی که این افراد دارای پروانه فعالیت از سازمان بهزیستی باشند با توجه به سمت و پست سازمانی و اداری خود، نظارت و بازرسی به منظور تشخیص میزان عملکرد و خدمات‌رسانی و گزارش‌گیری از این مراکز خدمات‌رسانی ویژه که از وظایف حاکمیتی می‌باشد کاهش یافته و باعث پدید آمدن فساد مالی، انتفاع از منابع کشور توسط اشخاص خاص و پایین آمدن سطح رضایت مندی افراد از خدمات مراکز دارای مجوز از سازمان بهزیستی می‌شود.

۹- نظر به اینکه تضاد منافع یکی از شاخصه‌های مهم فساد در نظام اداری تلقی می‌شود و اشخاص ممنوع شده در این بخشنامه یا بستگان ایشان بعضاً از نظر مالی یا

مسئولیت نظارت بر حسن اجرای این بخشنامه در سطح کشور به عهده معاونین و مدیران ستادی و در سطح استانها به عهده مدیران کل استانی می‌باشد. لازم به ذکر است کمیته‌ای به سرپرستی مدیرکل دفتر مدیریت عملکرد متشکل از مدیر دفتر مرکزی حراست و معاون مشارکتهای مردمی توانمندسازی و امور مجلس سازمان، مسئولیت نظارت عالی بر اجرای مفاد این بخشنامه را بر عهده خواهند داشت و ضروری است مدیران کل استانی گزارشی از روند اجرای این بخشنامه را در دوره‌های سه ماهه به کمیته مذکور ارسال نمایند. - معاون وزیر و رئیس سازمان بهزیستی کشور

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل امور حقوقی سازمان بهزیستی کشور به موجب لایحه شماره ۹۰۰/۹۹/۸۶۲۶۷ - ۱۳۹۹/۷/۲۸ توضیح داده است که:

۱- سازمان بهزیستی کشور در جهت تحقق مفاد اصول ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور تأمین موجبات برنامه‌ریزی، هماهنگی، نظارت و ارزشیابی و تهیه هنجارها و استانداردهای خدماتی و توسعه دامنه اجرای برنامه‌های بهزیستی در زمینه حمایت خانواده‌های بی‌سرپرست و نیازمند و ارائه خدمات مختلف به کودکان و تدارکات امکانات پیشگیری و توانبخشی حرفه‌ای و اجتماعی معلولین جسمی و روانی و تجدید تربیت منحرفین اجتماعی و حمایت و نگهداری از کودکان و اطفال بی‌سرپرست و معلولین غیرقابل توانبخشی و سالمندان نیازمند و آموزش نیروی انسانی خدمات بهزیستی و توانبخشی و تأمین موجبات تشویق، جلب مشارکت و فعالیت گروهی داوطلب و مؤسسات غیردولتی و به موجب لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور مصوب ۱۳۵۹/۲/۲۴ شورای عالی انقلاب تشکیل شده است.

۲- با استناد به ماده ۲۶ قانون تنظیم بخشی از مقررات دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ مجلس شورای اسلامی که در ماده ۱۲۲ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز تنفیذ شده است سازمان بهزیستی کشور موظف است پس از بررسی‌های کارشناسی برای متقاضیان فعالیت:

- ۱- تأسیس مهدهای کودک
- ۲- تأسیس مراکز نگهداری شبانه روزی کودکان بی‌سرپرست و خیابانی
- ۳- تأسیس خانه سلامت دختران و زنان
- ۴- تأسیس مجتمع‌ها و مراکز خدمات بهزیستی
- ۵- تأسیس کلینیک و اورژانس‌های مددکاری اجتماعی
- ۶- تأسیس مراکز خدمات مشاوره اجتماعی
- ۷- تأسیس مراکز توانبخشی معلولین
- ۸- تأسیس مراکز حرفه آموزی
- ۹- تأسیس مراکز توانبخشی و نگهداری سالمندان
- ۱۰- تأسیس مراکز توانبخشی و درمانی بیماران روانی مزمن
- ۱۱- تأسیس مراکز خدمات مشاوره ژنتیک
- ۱۲- تأسیس مراکز درمانی و بازتوانی معتادین
- ۱۳- تأسیس انجمن‌ها و مؤسسات غیردولتی و خیریه که در راستای اهداف سازمان

بهزیستی کشور فعالیت می‌نمایند، پروانه فعالیت صادر نماید و همچنین سازمان بهزیستی مجاز است در مقابل صدور پروانه برای آن تعداد از فعالیت‌هایی که جنبه انتفاعی دارند براساس تعرفه‌های که توسط سازمان بهزیستی کشور تعیین و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، وجوهی را به عنوان هزینه صدور یا تمدید پروانه فعالیت دریافت و به حساب درآمد عمومی کشور (نزد خزانه‌داری کل) واریز نماید. همه ساله معادل وجوه واریزی از محل ردیف اعتباری که در قوانین بودجه سالانه پیش‌بینی می‌گردد در اختیار سازمان بهزیستی قرار می‌گیرد تا در جهت نگهداری و اداره مراکز تحت پوشش خود هزینه نماید.

۳- با استناد به جزء ۸ بند (پ) ماده ۵۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۶/۱/۲۰ مجلس شورای اسلامی سازمان بهزیستی کشور متولی سلامت اجتماعی با رویکرد پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و مداخله در بحران‌های اجتماعی، ارائه خدمات حمایتی و توانبخشی به کلیه معلولان، مددجویان و گروه‌های آسیب‌پذیر از قبیل زنان، کودکان، سالمندان نیازمند جامعه می‌باشد. همچنین مرجع صدور پروانه تأسیس و فعالیت در امور زیر می‌باشد: مهدهای کودک، مراکز نگهداری شبانه‌روزی کودکان بی‌سرپرست و خیابانی، خانه سلامت دختران و زنان، مجتمع‌ها و مراکز خدمات بهزیستی، کلینیک‌ها و اورژانس‌های مددکاری اجتماعی و روانشناسی، مراکز خدمات مشاوره اجتماعی و روان شناختی اجتماعی، مراکز توانبخشی معلولان، مراکز حرفه‌آموزی معلولان، مراکز توانبخشی و نگهداری سالمندان، مراکز توانبخشی و درمانی بیماران روانی مزمن، مراکز خدمات مشاوره ژنتیک، مراکز درمانی و بازتوانی معتادان و نیز انجمن‌ها و مؤسسات غیردولتی و خیریه که در راستای اهداف سازمان بهزیستی کشور فعالیت می‌کنند می‌باشد.

۲- ابطال نامه‌های شماره ۱۸/۴/۶۳۰۱۸ - ۲۰/۱/۴/۶۳۰۱۸ و ۱۳۹۹/۴/۷ - ۲۰/۱/۴/۱۴۵۰۷۳ و ۱۳۹۹/۶/۳۱ - ۲۰/۱/۴/۱۴۵۰۷۳
 ۱۳۹۹/۶/۳۱ مدیرکل منابع انسانی بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی
گردش کار: شاکي به موجب دو دادخواست جداگانه ابطال بخشنامه‌های شماره ۲۰/۱/۴/۵۴۶۲۳ - ۲۰/۱/۴/۳۲۷ و ۱۳۹۹/۳/۲۷ و ۱۳۹۹/۶/۳۱ - ۲۰/۱/۴/۲۶۳۶۱۸ - ۲۰/۱/۴/۲۶۳۶۱۸ معاون امور اداری و پشتیبانی بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی و ابطال نامه‌های شماره ۱۸/۴/۶۳۰۱۸ - ۲۰/۱/۴/۶۳۰۱۸ و ۱۳۹۹/۴/۷ - ۲۰/۱/۴/۱۴۵۰۷۳ مدیرکل منابع انسانی بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" با عنایت به ماده ۶۳ فصل نهم آیین‌نامه استخدامی واحد اصلی بنیاد مستضعفان مصوب ۱۳۹۳/۳/۱ بازنشستگی عبارت است از فراغت از خدمت برابر با قانون تأمین اجتماعی. همان گونه که مستحضرید ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی بیان می‌دارد «آقایان که سن ۶۰ سال رسیده‌اند و حداقل سابقه لازم جهت پرداخت حق بیمه را دارا باشند می‌توانند درخواست بازنشستگی نمایند». از مفاد این ماده می‌توان نتیجه گرفت دو شرط اساسی یعنی رسیدن به سن مقرر و نیز داشتن سنوات پرداخت حق بیمه به میزان آنچه قانون تعیین نموده است ضرورت دارد. از طرفی درخواست بازنشستگی به موجب این قانون اختیاری بوده و الزامی از جانب قانونگذار تعیین نشده است. آنچه اهمیت دارد اینکه اینجانب متولد ۱۳۴۴/۱۰/۱ و ۵۵ سال سن دارم و حائز شرایط سن ۶۰ سال نمی‌باشم و نکته دیگر اختیاری بودن بازنشستگی است که اینجانب خواهان بازنشستگی نیستم. همچنین به موجب ماده ۷۸ قانون تأمین اجتماعی که بیان می‌دارد «کارفرما می‌تواند بازنشستگی بیمه شدگانی که حداقل ۵ سال پس از رسیدن به سن بازنشستگی مقرر در این قانون به کار خود ادامه داده‌اند را از سازمان تقاضا نمایند». می‌توان نتیجه گرفت که اشخاص دارای حداقل ۶۵ سال سن مشمول این ماده می‌گردند و درخواست بازنشستگی باید توسط خود اشخاص بیمه شده به عمل آید و کارفرمایان نمی‌توانند به اجبار اشخاص فاقد شرایط مذکور را بازنشسته نمایند.

توضیح اینکه ابلاغیه شماره ۵۴۶۲۳-۱۳۹۹/۳/۲۷ صادره از معاونت امور اداری و پشتیبانی بنیاد مستضعفان در خصوص کارکنان با سابقه ۳۰ سال و بالاتر حائز شرایط بازنشستگی علاوه بر تخلف اداری مطابق با بندهای ۷ و ۲۵ و ۳۰ ماده ۸ قانون تخلفات اداری در بند ۴ ابلاغیه شماره ۵۴۶۲۳ به وضوح نشان می‌دهد که به موجب قانون تأمین اجتماعی ارسال ابلاغیه مذکور خلاف مقررات می‌باشد. از طرفی اداره کل منابع انسانی بنیاد ضمن تخلف مجدد و صریح از ماده ۸ قانون تخلفات اداری پیش گفته، اقدام به ارسال نامه شماره ۱۴۵۰۷۳-۱۳۹۹/۶/۳۱ به مدیریت امور خدمات سازمان کرده و دستور داده است تا از پرداخت اضافه کار و کارانه ماهانه به اینجانب جلوگیری شود و تاکنون نیز پرداخت نشده است. بنیاد مستضعفان بخشنامه جدیدی با شماره ۲۰/۱/۴/۲۶۳۶۱۸ - ۲۰/۱/۴/۲۶۳۶۱۸ را برای افزایش حقوق کارکنان گروه بنیاد و شرکت‌های زیرمجموعه خود صادر کرده که در آن کارکنان با بیش از سی سال سابقه را از افزایش حقوق سال ۱۳۹۹ مستثنی نموده و برای ایشان از جمله اینجانب افزایش حقوق را اعمال نکرده است. حال آن که مطابق با یکصد و هفتاد و هشتمین مصوبه شورای عالی اداری مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۹ در خصوص منشور حقوق شهروندی فصل ۲ بند دوم «حق برخورداری از اعمال بیطرفانه قوانین و مقررات» و بند سوم «حق مصون بودن از تبعیض در نظامها، فرایندها و تصمیمات اداری» و همچنین بند ششم «حق آگاهی به موقع از تصمیمات و فرایندهای اداری و دسترسی به اطلاعات مورد نیاز» که در اینجا مراد از آن ارائه بخشنامه و ابلاغیه افزایش حقوق کارکنان ستاد بنیاد مستضعفان که در اختیار قرار نداده‌اند می‌باشد.

همچنین مطابق با بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی مبنی بر رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، بنیاد مستضعفان با مستثنی کردن تعدادی از کارکنان خود که بیش از ۳۰ سال و کمتر از ۳۵ سال سابقه دارند، موجب تبعیض شده و با ابلاغیه و بخشنامه داخلی خود این اصل بدیهی قانون اساسی را رعایت نکرده و موجبات ضرر و زیان این گروه از کارکنان شده است. در پایان با عنایت به موارد معنونه و با توجه به آن که مستنداً به دلایل پیش گفته اینجانب به موجب قانون تأمین اجتماعی تمایلی به بازنشستگی ندارم و با التفات به اجرای مفاد ابلاغیه‌ها که سبب بروز خسارات مادی غیرقابل جبران از بابت عدم افزایش حقوق سال ۱۳۹۹ بنیاد و نیز عدم پرداخت اضافه کار و کارانه که مربوط به حسن انجام کار اداری است و نیز ضرر و زیان ناشی از ایراد سوابق بیمه‌ای (مشمول میانگین حق بیمه پرداختی ۲۴ ماه) به اینجانب شده است، لذا مستنداً به ماده ۳۴ و ۳۵ قانون دیوان عدالت اداری بدو تقاضای صدور دستور موقت بر عدم اجرای ابلاغیه شماره ۵۴۶۲۳-۱۳۹۹/۳/۲۷ و ۲۶۳۶۱۸ - ۲۰/۱/۴/۲۶۳۶۱۸ و هرگونه ابلاغیه یا بخشنامه مشابه آنها و متعاقباً ابطال ابلاغیه‌های موصوف از آن مقام مورد استدعا می‌باشد.

حرفه‌ای و شغلی از تصمیمات، اقدامات یا دستورات ایشان به نحو ناروا منتفع می‌شوند و از طرفی وظایف نظارتی یا محاسباتی متوجه خود شخص مشمول این بخشنامه یا اموال او یا بستگان او یا مراکز و مؤسسات می‌باشد که وی در آن به میزانی سهم دارد یا این اشخاص یا بستگان آنها مدیرعامل یا عضو هیأت‌مدیره مؤسسات می‌باشند یا بخشی از سرمایه مراکز یا مؤسسات متعلق به بستگان ایشان می‌باشد یا بعضاً شخص عهده دار وظایف نظارتی یا محاسباتی همزمان عضو یا بازرس یا حسابرس یا مشاور شخص حقوقی مورد نظارت یا محاسباتی می‌باشد و در هر حال امکان تصمیم یا اقدام بی‌طرفانه در خصوص وظایف نظارتی خود ندارند لذا به نظر می‌رسد اشخاص مذکور ممکن است عمداً موقعیت‌هایی ایجاد کنند یا بطور ناخواسته با موقعیت‌هایی مواجه شوند که منافع شخصی آنها در تعارض با منافع عمومی قرار گیرد و در نتیجه این تعارض، تأمین منافع شخصی بر منافع عمومی ترجیح داشته می‌شود یا بر آن تأثیر ناروا می‌گذارد. از طرفی با عنایت به وظایف و اختیارات کنترلی، نظارتی، بازرسی، محاسباتی، بعضاً امور متقاضیان ارزیابی، ارزیابی و ممیزی و صدور مجوز اشخاص احصاء شده در بخشنامه و از طرف دیگر بعضاً امور متقاضیان خدمت را به مراکز یا مؤسسات خصوصی یا هر مرکزی که در آن سهم یا ذینفع هستند ارجاع می‌دهند و همچنین اختیار اعطای کمک به افراد، مراکز و مؤسسات غیردولتی برخوردارند و این امر موجبات فساد گسترده را در نظام اداری فراهم می‌نماید لذا به منظور پیشگیری از تعارض و تضاد منافع و نحوه رفتار بی‌طرفانه در وضعیت‌های تعارض منافع و همچنین ایجاد فرصت‌های شغلی برای جوانان تحصیل کرده و از طرفی اختیار مدیریتی رئیس سازمان بهزیستی کشور در تعیین و انتصاب مدیران میانی چنین تصمیمی با اجماع در شورای معاونین سازمان تصویب و از طرف رئیس سازمان بهزیستی کشور ابلاغ شده است.

با عنایت به موارد مطروحه و دفاعیات قانونی صورت گرفته تقاضای صدور رأی مبنی بر بی‌حقی خواهان‌ها مورد استدعا می‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۴ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه اطلاق حکم مقرر در بند ۵ بخشنامه شماره ۹۰۰/۹۸/۹۳۷۷۰ - ۱۳۹۸/۷/۱۵ رئیس سازمان بهزیستی کشور مبنی بر عدم صدور مجوز برای بستگان درجه یک حائزین سمت‌های ذکر شده در بند ۱ بخشنامه (شامل پدر، مادر، خواهر، برادر، پسر، دختر و همسر)، بدون در نظر گرفتن حقوق افرادی که پیش از این و به موجب مقررات حاکم، مجوز مراکز مذکور را اخذ کرده‌اند، با حقوق مکتسبه گروه اخیر منافات دارد، بنابراین بند ۵ بخشنامه مزبور خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتهای مظفری

شماره ۹۹۰۳۰۵۲

۱۴۰۰/۱۱/۲۵

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۹۴۱ و ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۹۴۰ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۵
 موضوع: «بخشنامه شماره ۵۴۶۲۳-۱۳۹۹/۳/۲۷ و بخشنامه شماره ۲۶۳۶۱۸ - ۲۰/۱/۴/۲۶۳۶۱۸ معاون اداری و پشتیبانی بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی که متضمن عدم پرداخت و قطع برخی از مزایای تابع شغل شاغل به جهت عدم تقاضای بازنشستگی است، ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ شماره دادنامه: ۲۹۴۱-۲۹۴۰

شماره پرونده: ۹۹۰۳۲۲۵ و ۹۹۰۳۰۵۲

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای حمیدرضا عزیزی سفیددشتی

موضوع شکایت و خواسته: ۱- ابطال بخشنامه‌های شماره ۲۰/۱/۴/۵۴۶۲۳ - ۲۰/۱/۴/۲۶۳۶۱۸ و ۱۳۹۹/۳/۲۷ معاون امور اداری و پشتیبانی بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی

اشاره شده در جدول ذیل صرفاً برای ماه‌های بهمن و اسفند سال جاری را منجر شود، اقدام نمایند. در این راستا ضروری است موارد ذیل مد نظر باشد:

اصلاحات در جهت بهبود کیفیت عملکرد صورت پذیرفته و با لحاظ شایسته سالاری و عدالت محوری باشد.

اصلاحات مشمول همکاران با سنوات بیمه (کل سابقه) تا ۳۰ سال می‌شود.

اصلاحات در جهت تقویت معیشت همکاران عائله مند باشد.

جهت گیری اصلاحات به سمت حفظ و ارتقای انگیزه سرمایه انسانی جوان، متخصص و متعهد باشد.

ردیف	جمع مبلغ حقوق آخرین حکم کارگزینی	درصد مجاز افزایش حقوق حکمی ناشی از اصلاح آیین‌نامه
۱	تا ۵۰ میلیون ریال	حداکثر تا سقف ۱۵٪
۲	بیش از ۵۰ تا ۹۰ میلیون ریال	حداکثر تا سقف ۱۰٪
۳	بیش از ۹۰ میلیون ریال	حداکثر تا سقف ۵٪

لازم به ذکر است اداره کل منابع انسانی بنیاد در خصوص هرگونه ابهام نسبت به چگونگی اعمال موارد مندرج در جدول فوق اعلام آمادگی می‌نماید.

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل حقوقی بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی به موجب لویح شماره ۴۵۲۸۰ - ۱۴۰۰ - ۲۰/۴/۴۱۰ مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۹ و ۱۸۷۸۹ - ۱۴۰۰/۴/۱۰/۲۰ مورخ ۱۴۰۰/۱/۳۱ به طور خلاصه توضیح داده است که:

۱- اساسنامه بنیاد در سال ۱۳۷۹ به توشیح رهبر انقلاب رسیده است و طبق ماده ۴ آن اساسنامه، بنیاد نشأت گرفته از انقلاب اسلامی بوده و اینکه غیرانتفاعی، دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی، اداری و استخدامی است که طبق مقررات اساسنامه و آیین‌نامه‌های داخلی مصوب هیأت امانا اداره می‌شود. ۲- آیین‌نامه استخدامی بنیاد بر اساس ماده ۱۳ اساسنامه بنیاد از سوی رییس بنیاد در سال ۱۳۹۳ تصویب شده است و طبق اساسنامه مذکور دستورالعمل‌ها و ضوابط اجرایی و مقررات بنیاد از اختیارات رئیس بنیاد می‌باشد. از سوی دیگر چون نیاز به بروزرسانی در آیین‌نامه مذکور احساس می‌شد برخی از مواد آن (۲۰ تا ۴۰) اصلاح و در قالب آیین‌نامه جامع جبران خدمات به شماره ۱۰/۲۵۶۴۴۱ - ۱۳۹۹/۱۱/۶ به تصویب رییس بنیاد رسیده است و آیین‌نامه مذکور متضمن وضع قاعده آمره و یا سالب حق و تکلیف به صورت عام و کلی نمی‌باشد و موجب تضییع حقوق اشخاص نشده است بلکه شرایط تشویقی خاصی را برای اشخاص طبق مقررات قانون تأمین اجتماعی فراهم کرده است ۳- چون از مؤسسات عمومی غیردولتی محسوب می‌شود بنابراین به موجب ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری از شمول قانون مذکور مستثنی بوده و طبق ماده ۱۲۷ کلیه قوانین و مقررات عام خاصی ملغی الاثر شده است. ۴- طبق رأی وحدت رویه شماره ۵۴۰ - ۱۳۸۶/۱۱/۱۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری کارکنان بنیاد مشمول مقررات قانون کار نمی‌باشند. ۵- مقررات مورد شکایت فی نفسه متضمن وضع قاعده آمره یا سالب حق و تکلیف قانونی به صورت عام و کلی نبوده و موجب تضییع حقوق اشخاص نشده است و صرفاً شرایط تشویقی خاصی را برای اشخاصی که طبق مقررات سازمان تأمین اجتماعی امکان بازنشستگی برای آنان فراهم است ایجاد کرده است. ۶- دلایل صدور مقررات مورد شکایت در صدر آن بیان شده لیکن طبق ماده ۶۹ آیین‌نامه اداری و استخدامی بنیاد، حق سنوات معادل یک ماه حقوق و مزایای حکمی و میانگین اضافه کار ۴ سال پایان خدمت و کارانه بعنوان پاداش پایان خدمت پرداخت می‌شود. در حالی که به کسانی که در اجرای طرح مذکور درخواست بازنشستگی نمایند با ارفاق و نگرش تشویقی معادل ۲ ماه حقوق و مزایای حکمی سنوات پرداخت می‌شود. ۷- الزامی برای پذیرش شرایط ارفاقی پیشنهادی وجود ندارد و کارکنان این نهاد از نظر بیمه و بازنشستگی مشمول مقررات قانون تأمین اجتماعی بوده و اجباری جهت بازنشستگی اعمال نشده است. ۸- استقبال کارکنان دارای ۳۰ سال سابقه خدمت دلالت آشکار بر اختیاری بودن طرح اعلامی و جنبه حمایتی آن دارد. ۹- بازنشستگی اختیاری حق فرد شاغل است و بدون تقاضای وی و موافقت اداره و سازمان امکان پذیر نمی‌باشد. بنابراین در پرداخت حق سنوات هر سال، دو ماه حقوق و مزایای حکمی، جنبه تشویقی برای کارکنان داشته و تقاضای داوطلبان برای انتفاع از مزایای آن لازم و ضروری است. لذا در صورت عدم ارائه درخواست و عدم استفاده از آن، طبق ضوابط و مقررات مندرج در آیین‌نامه استخدامی بنیاد در شرایط عادی بازنشسته شده و صرفاً از مزایای پایان خدمت مطابق آیین‌نامه استخدامی بهره‌مند می‌گردند. شایان ذکر است اضافه کار و سایر پرداختی‌های مذکور در آیین‌نامه جبران خدمات جنبه

متن مقررهای مورد شکایت به شرح زیر است:

" الف) بخشنامه شماره ۱۳۹۹/۳/۲۷-۲۰/۱/۴/۵۴۶۲۳ معاون امور اداری و پشتیبانی بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی:

با عنایت به سیاست‌های کلان بنیاد و مفاد بند ۲ ابلاغیه شماره ۱۰/۳۱۹۸۰ - ۱۳۹۹/۲/۲۹ رییس ارجمند، بنیاد با هدف تقویت رویکرد جوانگرایی و بهینه‌سازی ترکیب و توزیع منابع انسانی، موارد زیر جهت اجرای طرح بازنشستگی کارکنان با سابقه خدمت ۳۰ سال و بالاتر که حائز شرایط بازنشستگی می‌باشند به شرح زیر ابلاغ می‌شود:

(۱)..... (۲) (۳)

(۴) با عنایت به ضرورت اجرای طرح مذکور، در صورت عدم تمایل به بازنشستگی از سوی افراد مشمول، از ابتدای مهر ماه سال جاری هرگونه اعتبار بودجه سالانه در رابطه با این افراد لحاظ نگردیده و مزایای غیرمستمر از جمله مسئولیت، اضافه کار و کارانه حذف می‌شود.

ب) نامه شماره ۲۰/۱/۴/۶۳۰۱۸ - ۱۳۹۹/۴/۷ مدیرکل منابع انسانی بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی:

همکار گرامی جناب آقای حمیدرضا عزیزی سفید دشتی با سلام

بدین وسیله ضمن تقدیر، تجلیل و سپاس از چندین سال تلاش صادقانه و دلسوزانه جنابعالی در بنیاد مستضعفان که یکی از برجسته ترین عرصه‌ها برای خدمتگزاری به محرومین می‌باشد، به اطلاع می‌رساند در اجرای سیاست بنیاد مبنی بر بازنشستگی کارکنان با سابقه ۳۰ سال و بالاتر و پیرو بررسی به عمل آمده، جنابعالی حائز شرایط بازنشستگی می‌باشید. بر این اساس مقتضی است درخواست بازنشستگی خود را در اسرع وقت جهت انجام سایر اقدامات به سازمان تأمین اجتماعی و متعاقب آن اداره کل منابع انسانی ارائه نمایید.

ما بر این باوریم بازنشستگی فصل نوینی از زندگی و آغازی برای زندگی با شیوه و ایده‌های جدید است و امیدواریم این دوران جدید از پربرترین و با نشاط‌ترین مراحل زندگی پرثمرتان باشد. سعادت‌مندی روز افزون شما و خانواده محترم را از خداوند متعال خواستاریم.

ج) نامه شماره ۲۰/۱/۴/۱۴۵۰۷۳ - ۹۹/۶/۳۱ مدیرکل منابع انسانی بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی:

برادر گرامی جناب آقای علیپور مدیر محترم امور خدمات اداری با سلام

با توجه به سیاست‌های بنیاد و ابلاغیه‌های صادره در ماه‌های اخیر دستور فرمایید اضافه کار همکاران به شرح ذیل که سابقه‌ایشان از ۳۰ سال گذشته و مشمول طرح بازنشستگی می‌شدند از تاریخ ۹۹/۷/۱ به بعد لحاظ نگردد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	ردیف	نام و نام خانوادگی
۱	فرهاد خاتمی	۲	مرتضی نایه
۳	مصطفی جعفرقلی	۴	محمد صفاری
۵	امیرعباس جعفرپور	۶	منصور احمدی
۷	غلامحسین عربی	۸	علیرضا خیاطون
۹	محمدرضا بیگدلی	۱۰	علیرضا گل پرور
۱۱	حمیدرضا عزیزی سفید دشتی	۱۲	ناصر خوبان
۱۳	حمید اردستانی	۱۴	عزیزاله نصیری
۱۵	اکبر حصیبی	۱۶	محمدرضا زمانی بروجسنی

د) بخشنامه شماره ۲۶۳۶۱۸ - ۱۳۹۹/۱۱/۱۲ معاون امور اداری و پشتیبانی بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی:

ضمن گرامیداشت ایام ... مبارک دهه فجر و ولادت با سعادت حضرت فاطمه صدیقه (س) با عنایت به جلسه مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۶ و تأکیدات ریاست ارجمند بنیاد مبنی بر حمایت از کارکنان، ایجاد انگیزه و نشاط فردی و سازمانی و تقویت عملکرد کیفی از طریق اصلاح و بهبود نظام پرداخت و سیاست بنیاد مبنی بر حمایت از خانواده و کاهش اختلاف در پرداخت حقوق، خواهشمند است دستور فرمایید در صورت عدم افزایش حقوق در آن حوزه و واحدهای تابعه از ابتدای سال جاری (مازاد بر افزایش سنواتی ابتدای سال) با تأکید بر بهبود عملکرد و افزایش بهره‌وری و تلاش کارکنان در راستای تحقق جهش تولید و اهداف بنیاد، نسبت به بازنگری آیین‌نامه جبران خدمات خدمت و اعمال اصلاحات به صورتی که تغییر حقوق تا حداکثر سقف

آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداریها و مؤسسات عمومی غیردولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز و یا سوء استفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایف موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود، از جمله صلاحیتها و وظایف هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است. نظر به اینکه نامه‌های شماره ۱۸/۴/۶۳۰-۲۰/۱/۴/۱۳۹۹ و شماره ۱۳۹۹/۴/۷-۲۰/۱/۴/۱۴۵۰۷۳-۱۳۹۹/۶/۳۱ مدیرکل منابع انسانی بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی واجد جنبه موردی بوده و متضمن وضع قاعده عام‌الشمول نیستند؛ بنابراین از مصادیق مقررات موضوع بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ محسوب نمی‌شوند و رسیدگی به آنها در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری قابل طرح نبوده و به شعبه دیوان عدالت اداری ارجاع می‌شود.

رای هیأت عمومی

اولاً: هرچند به موجب بند ۲ ماده واحده قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب سال ۱۳۷۳، بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی جزء نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی محسوب می‌شود و براساس ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶ نیز مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی از مصادیق دستگاههای اجرایی هستند، لکن بر مبنای ماده ۱۱۷ قانون اخیرالذکر، نهادها، مؤسسات و تشکیلات و سازمانهایی که زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری اداره می‌شوند و نهادهای عمومی غیردولتی که با تعریف مذکور در ماده ۳ این قانون منطبق هستند، از شمول مقررات قانون مدیریت خدمات کشوری مستثنی شده‌اند و براساس ماده ۳ قانون مزبور نیز مؤسسه یا نهاد عمومی غیردولتی: «واحد سازمانی مشخصی است که دارای استقلال حقوقی است و با تصویب مجلس شورای اسلامی ایجاد شده یا می‌شود و بیش از پنجاه درصد بودجه سالانه آن از محل منابع غیردولتی تأمین گردد و عهده‌دار وظایف و خدماتی است که جنبه عمومی دارد.» ثانیاً: براساس ماده ۱۸۸ قانون کار جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۶۹ مقرر شده است که: «اشخاص مشمول قانون استخدام کشوری یا سایر قوانین و مقررات خاص استخدامی و نیز کارگران کارگاههای خانوادگی که انجام کار آنها منحصراً توسط صاحب کار و همسر و خویشاوندان نسبی درجه یک از طبقه اول وی انجام می‌شود، مشمول مقررات این قانون نخواهند بود» و به موجب لایحه قانونی عدم شمول مقررات قانون کار درباره کارکنان نهادهای انقلابی مصوب سال ۱۳۵۹: «کارکنان نهادهای انقلابی از قبیل (جهاد سازندگی - بنیاد شهید - نهضت سوادآموزی - بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) مشمول مقررات قانون کار نمی‌باشند.» ثالثاً: براساس ماده ۴ اساسنامه بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی که در تاریخ ۱۳۷۹/۵/۱۱ به تأیید مقام معظم رهبری رسیده، مقرر شده است که: «بنیاد، نهادی است نشأت گرفته از انقلاب اسلامی، غیرانتفاعی، دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی، اداری و استخدامی که تحت نظارت عالی مقام معظم رهبری و طبق مقررات این اساسنامه و آیین‌نامه‌های داخلی اداره می‌شود» و حکم مقرر در این ماده مؤید استقلال اداری و استخدامی بنیاد مذکور است. رابعاً: بر مبنای مواد ۴۳ و ۴۴ آیین‌نامه استخدامی بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، مزایای کارکنان شاغل در بنیاد احصاء شده که صرفاً فوق‌العاده مسئولیت، مهارت و کارانه یا پاداش بر حسب نظام ارزشیایی پرداخت می‌شود. همچنین براساس ماده ۶۳ آیین‌نامه مذکور، بازنشستگی عبارت است از فراغت از خدمت برابر قانون تأمین اجتماعی و در قانون تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۵۴ نیز حکمی مبنی بر الزام به بازنشستگی افرادی که بیش از ۳۰ سال سابقه بیمه‌پردازی دارند، وجود ندارد و صرفاً براساس ماده ۷۷ قانون مذکور اصلاحی مصوب سال ۱۳۷۱ محاسبه و پرداخت حقوق و مزایای تا ۳۵ سال سابقه بیمه‌پردازی قابل محاسبه است. بنا به مراتب فوق و با عنایت به اینکه مفاد بخشنامه شماره ۵۴۶۲۳-۱۳۹۹/۳/۲۷ و بخشنامه شماره ۲۶۳۶۱۸-۱۳۹۹/۱۱/۱۲ معاون اداری و پشتیبانی بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی متضمن عدم پرداخت و قطع برخی از مزایای تابع شغل شاغل به جهت عدم تقاضای بازنشستگی است و حکم فوق از این حیث که کارمندی که پس از ۳۰ سال خدمت و در سنوات مجاز تا سال سی و پنجم خدمت، اشتغال به کار و قصد ادامه خدمت داشته باشد، باید از کلیه حقوق و مزایای مندرج در آیین‌نامه استخدامی و آیین‌نامه جبران خدمات آن بنیاد برخوردار شود و محرومیت کارکنانی که ۳۰ سال سابقه بیمه‌پردازی دارند ولی از بازنشستگی به اختیار استفاده نکرده‌اند، از دریافت مزایای فوق موجب ایجاد تبعیض ناروا میان این قبیل کارمندان با سایر کارمندانی است که در سنوات خدمتی کمتر از ۳۰ سال خدمت قرار دارند و منجر به ورود ضرر و زیان به آنان خواهد شد، بنابراین بخشنامه‌های یادشده خلاف قانون و خارج از حدود اختیار هستند و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شوند.

ب- براساس بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

شماره ۹۹۰۰۲۷۴
شماره ۱۴۰۰/۱۱/۲۵
بسمه تعالی
جناب آقای اکبرپور
رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۳۹۵۰۷۳-۱۳۹۹/۶/۳۱ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ با موضوع: «اتلاق نامه شماره ۲۳۷۵۲۱-۱۳۹۵/۱۲/۸ مدیرکل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در حدی که در نظریه فقهای شورای نگهبان آمده است که اعلام کرده «اتلاق بخشنامه مورد شکایت در مواردی که شرایط صحت شرعی تهاوت وجود ندارد، خلاف شرع شناخته شد» از تاریخ تصویب ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ شماره دادنامه: ۲۹۵۰ شماره پرونده: ۹۹۰۰۹۹۵
مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکي: آقای سعید کنعانی
موضوع شکایت و خواسته: ابطال نامه شماره ۲۳۷۵۲۱-۱۳۹۵/۱۲/۸ مدیرکل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال نامه شماره ۲۳۷۵۲۱-۱۳۹۵/۱۲/۸ مدیرکل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«بخشنامه مزبور با کسب وصف تعقیب و تقدم از قانون، سبب ترجیح کارفرما بر سایر طلبکاران (از جمله عائله کارگر) می‌شود، زیرا حقوق کارگر را به مثابه مال توقیف شده و در رهن کارفرما در نظر گرفته و تا مادامی که تمام طلب کارفرما پرداخت نشود، حقوق کارگر (که همانند وثیقه تلقی شده) آزاد نخواهد شد چرا که من حیث المجموع در مقابل دین و طلب کارفرما قرار گرفته است. بر این اساس وصول طلب کارفرما تضمین می‌شود، زیرا بدو طلب خود را برداشته و چنانچه پس از پرداخت طلب، چیزی از حقوق کارگر باقیماند به سایرین خواهد رسید. مضافاً حقوق کارگر به موجب تبصره ۱ ماده ۱۳ قانون کار از جمله دیون ممتازه احصاء شده لیکن طلب کارفرما و بدهی کارگر، دیون عادی بوده که با دیون ممتازه قابل تهاوت نمی‌باشد و از طرف دیگر مطالبات و حقوق کارگر وفق مواد ۴۴ و ۴۵ قانون کار مصون از تعرض است. مع الوصف بخشنامه مبحث عنه مغایر با موازین شرع و برخلاف آیه ۱ سوره مائده به نظر می‌رسد.»

متن مقررره مورد شکایت به شرح زیر است:

«مدیرعامل محترم شرکت توسعه صنایع غذایی رشد

با سلام و احترام

بازگشت به نامه شماره ۵۰۸ - دف - ۹۵ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۱ به آگاهی می‌رسانم:

در صورتی که به دلیل نحوه انجام کار و به دلیل روابط کارگری و کارفرمایی، مطالباتی از کارفرما نزد کارگر باشد؛ نظیر کارگرانی که به امر فروشندگی و بازاریابی مشغول هستند که بعد از فروش کالا، مبالغ دریافتی در حساب کارگر باقی می‌ماند تا به حساب کارفرما واریز شود، چنانچه کارگر مبالغ مزبور را به حساب کارفرما واریز ننماید، دعوای مزبور، دعوای کارگر و کارفرمایی محسوب شده و رسیدگی به آن در صلاحیت مراجع حل اختلاف کار خواهد بود. بنابراین چنانچه کارگر برای دریافت مطالبات خود در نزد مراجع حل اختلاف کار اقامه دعوا نماید و کارفرما نیز مدعی داشتن مطالباتی از قبیل

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه قائم مقام دبیر شورای نگهبان براساس نامه شماره ۱۰۲/۲۸۵۲۰-۱۴۰۰/۹/۷ در رابطه با جنبه شرعی نامه شماره ۲۳۷۵۲۱-۱۳۹۵/۱۲/۸ مدیرکل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اعلام کرده است که: «اتفاق بخشنامه مورد شکایت در مواردی که شرایط صحت شرعی تهاجر وجود ندارد، خلاف شرع شناخته شد»، بنابراین در اجرای حکم مقرر در تبصره ۲ ماده ۸۴ و ماده ۸۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ و با توجه به لزوم تبعیت از نظریه فقهای شورای نگهبان، اطلاق نامه مزبور در حدی که در نظریه فقهای شورای نگهبان اعلام شده، خلاف شرع است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ صدور ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مهدی درببین

شماره ۱۵۳۷۰۰۰

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۹۵۸ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ با موضوع: «بند ۶ از قسمت مربوط به ویژگیهای چکهای مورد تقاضا در ماده ۲ شیوهنامه پذیرش درخواست اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا از طریق دفاتر اسناد رسمی که براساس آن مقرر شده است که درج عباراتی از قبیل بابت تضمین انجام کار یا امانت و ... در متن چک مانع از پذیرش نمی‌باشد، ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ شماره دادنامه: ۲۹۵۸ شماره پرونده: ۰۰۰۱۵۳۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای جهانبخش صالحی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال جزء ۶ از عنوان چک‌های مورد تقاضا ذیل بند ۱ از ماده ۲ شیوهنامه پذیرش درخواست اجرای مفاد اسناد لازم‌الاجرا از طریق دفاتر اسناد رسمی

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال جزء ۶ از عنوان چک‌های مورد تقاضا ذیل بند ۱ از ماده ۲ شیوهنامه پذیرش درخواست اجرای مفاد اسناد لازم‌الاجرا از طریق دفاتر اسناد رسمی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" اینجانب به دلیل مغایر بودن شیوهنامه اجرایی اسناد لازم‌الاجرا در مورد چک سازمان ثبت و اسناد کشور با قانون چک درخواست ابطال ماده ۳ در مورد به اجرا گذاشتن چک را دارم. در شیوهنامه اجرایی اسناد لازم‌الاجرا در مورد چک به بی اثر بودن نوشتن متن چک امانت و ضمانت انجام امری اشاره شده که باعث سوء استفاده از چک و ایجاد مشکل برای دارندگان دسته چک شده اصولاً این چکها بایستی در دادگاه حقوقی رسیدگی شود تا حقی ضایع نشود نه توسط اداره اجرای ثبت، بنابراین باید در شیوهنامه اجرای قید شود اداره اجراییات ثبت اسناد حق رسیدگی به چکهایی که در متن آن بابت ضمانت قید شده ندارد و دارنده چک به دادگاه حقوقی مراجعه کند.

" شاکي به موجب لایحه تکمیلی مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۱ اعلام کرده است که:

" احتراماً اینجانب تقاضای ابطال جزء ۶ از عنوان چکهای مورد تقاضای ذیل بند ۱ ماده ۲ شیوهنامه پذیرش درخواست اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا از طریق دفاتر اسناد رسمی و اداره اجراییات ثبت اسناد که دلالت بر پذیرش هر نوع چک ولو از بابت تضمین و امانت و ... دارم و تقاضای خود را به این شرح اصلاح می‌نمایم.

متن مقرر در مورد شکایت به شرح زیر است:

" ماده ۲- مدارک و مستندات لازم و نکات مهم برای پذیرش درخواست اجرای اسناد لازم‌الاجرا از طریق دفاتر اسناد رسمی به شرح زیر می‌باشد:

.....

چکهای مورد تقاضا باید:

.....

۶- درج عباراتی از قبیل بابت تضمین انجام کار یا امانت و ... در متن چک مانع از پذیرش نمی‌باشد."

موارد فوق نزد کارگر باشد، با احراز مطالباتی که کارفرما نزد کارگر دارد، مبالغ مزبور تا مقداری که با هم برابری نمایند، قابل تهاجر می‌باشد و چنانچه بعد از انجام تهاجر، مبلغی از کارفرما هم چنان نزد کارگر باقی بماند، مراجع حل اختلاف کار در خصوص مبلغ مزبور نیز اظهار نظر نموده و کارگر را به استرداد مبالغ موصوف مکلف می‌نمایند. بدیهی است اجرای رأی مزبور و دریافت مبالغ مذکور از کارگر و دادن آن به کارفرما بر اساس رأی مراجع حل اختلاف کار برعهده واحد اجرای احکام دادگستری می‌باشد. - مدیرکل روابط کار و جبران خدمت

" در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل حقوقی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ضمن ارسال لایحه شماره ۸۳۲۶۸ - ۱۳۹۹/۵/۱۴ مدیرکل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به موجب لایحه شماره ۹۰۱۵۲ - ۱۳۹۹/۵/۲۶ توضیح داده است که:

" ضمن ایفاد تصویر پاسخ شماره ۸۳۲۶۸ - ۱۳۹۹/۵/۱۴ اداره کل روابط کار و جبران خدمت این وزارت جهت استحضار، صدور حکم بر رد شکایت شاکي به شرح زیر مورد استدعاست. با عنایت به مواد ۱۰ و ۱۵۷ قانون کار رسیدگی به اختلاف مربوط به قراردادهای کار در صلاحیت مراجع حل اختلاف کار قرار دارد در برخی مشاغل مثل شغل فروشندگی و بازاریابی وظیفه کارگر - موضوع بند (الف) و (ز) ماده ۱۰ قانون کار - فروش کالا و واریز مبالغ آن به حساب کارفرما است، مسلماً اختلافات مرتبط با این امر ناشی از رابطه کارگری و کارفرمایی و در زمره اختلافات ناشی از قرارداد کار می‌باشد که رسیدگی به آنها در صلاحیت مراجع حل اختلاف کار قرار دارد. بدیهی است روابط خارج از رابطه کار تابع اعم از مالی و غیرمالی از صلاحیت مراجع حل اختلاف خارج خواهد بود، لیکن رابطه مورد بحث اگر چه ظاهراً رابطه‌ای مالی است لیکن مستقیماً با روابط کارگری و کارفرمایی طرفین مرتبط بوده و از قرارداد کار نشأت می‌گیرد، امری که به صراحت در نامه این اداره کل به آن اشاره شده است. توجه مرجع رسیدگی کننده به ادعای تهاجر از سوی خواننده منطبق با قاعده «تسلط اصحاب دعوا بر امور موضوعی و داگاه بر امر حکمی»، به عنوان یکی از قواعد مهم ناشی از اصل حاکمیت اصحاب دعوا و نیز اصل حق دفاع می‌باشد. به عبارت دیگر: اولاً: ادعای کارفرما مبنی بر اینکه کارگر در راستای انجام تعهدات قراردادی و مرتبط با شغل خود مکلف به پرداخت مبالغی است در زمره امور موضوعی بوده و طرح آن توسط خواننده دعوا موجه، صحیح و منطبق با قاعده فوق‌الذکر (تسلط اصحاب دعوا بر امور موضوعی) است و از سوی دیگر استناد مرجع به تهاجر نیز در زمره امور حکمی بوده که با توجه به قاعده مورد استناد شاکي علی‌الاصول در اختیار مرجع رسیدگی کننده قرار دارد. ثانیاً: و مهمتر آن که ادعای تهاجر دفاع محسوب می‌شود که باید با توجه به اصل حق دفاع مورد توجه مرجع رسیدگی کننده قرار گیرد و عدم توجه به آن تخلف محسوب می‌شود. شایان ذکر است تهاجر از راه‌های قهری سقوط تعهدات است و جز در خصوص مزد آن هم صرفاً به دلیل نص صریح ماده ۴۵ قانون کار که برداشت از مزد را منحصر به موارد خاص مذکور در ماده می‌داند به صورت قهری واقع می‌شود. به عبارت دیگر پس از اثبات مطالبات کارگر به کارفرما و بالعکس - ناشی از از رابطه کارگری و کارفرمایی - تهاجر قهراً واقع می‌شود و مرجع مکلف به قبول آن است. اگرچه به هیچ عنوان نامه این اداره کل در خصوص امکان تهاجر مطالبات کارفرما (ناشی از روابط کارگری و کارفرمایی) با مزد کارگر نیست لیکن با توجه به ابهامات به وجود آمده و ایجاد شائبه مذکور، نامه شماره ۵۱۷۴۸ - ۱۳۹۶/۳/۲۲ صادر گردیده که به موجب آن مزد کارگر جز در موارد مصرح در ماده ۴۵ قانون کار قابل کسر و در نتیجه قابل تهاجر نیست. با توجه به مجموع موارد فوق‌الذکر و با عنایت به اینکه نامه موضوع شکایت به موجب دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۱۰۸ - ۱۳۹۷/۴/۳۱ هیأت تخصصی بیمه، کار و تأمین اجتماعی به تأیید رسیده است، لذا درخواست رد شکایت شاکي را دارد.

در پاسخ به ادعای خلاف شرع بودن مقرر در مورد شکایت، قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۱۰۲/۲۸۵۲۰ - ۱۴۰۰/۹/۷ اعلام کرده است که:

" موضوع بخشنامه شماره ۲۳۷۵۲۱ - ۱۳۹۵/۱۲/۸ مدیرکل روابط کار و جبران خدمت در خصوص تعیین مرجع رسیدگی به مطالبات کارفرما از کارگر، در جلسه مورخ ۱۴۰۰/۶/۲۴ فقهای معظم شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که به شرح ذیل اعلام نظر می‌گردد: اطلاق بخشنامه مورد شکایت در مواردی که شرایط صحت شرعی تهاجر وجود ندارد، خلاف شرع شناخته شد."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ به ریاست معاون قضایی دیوان عدالت اداری در امور هیأت عمومی و با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

شماره ۰۰۰۱۵۶۲

۱۴۰۰/۱۱/۲۵

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۸۱۲۹۵۹/۱۳۸۹/۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ با موضوع: «حکم مقرر در ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۲۱ و ماده ۱۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری (موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۰۴۶۱/۴۴۲۹۵ - ۱۳۸۹/۱/۳۱ هیأت وزیران) در خصوص مأموریت کارمندان رسمی یا پیمانی دستگاههای اجرایی مستثنی شده در ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری و نیز مأموریت اعضای هیأت علمی رسمی یا پیمانی به دستگاههای اجرایی مشمول قانون مذکور، ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ شماره دادنامه: ۲۹۵۹ شماره پرونده: ۰۰۰۱۵۶۲

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای سجاد کریمی پاشاکی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۲۱ و ماده ۱۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۰۴۶۱/۴۴۲۹۵ - ۱۳۸۹/۱/۳۱ هیأت وزیران

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال تبصره ذیل ماده ۵ و عبارت «با پرداخت حقوق و فوق‌العاده‌های از اعتبار دستگاه محل مأموریت» از ماده ۷ و ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۲۱ و ماده ۱۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۰۴۶۱/۴۴۲۹۵ - ۱۳۸۹/۱/۳۱ هیأت وزیران را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«به استحضار می‌رساند: در تبصره ذیل ماده ۵ پرداخت فوق‌العاده‌ها و هزینه‌هایی مانند اضافه کار و هزینه‌های رفاهی بر عهده دستگاه محل مأموریت دانسته شده است و به عبارتی با توجه به حفظ پست سازمانی در دستگاه مبدا حقوق از طریق این دستگاه پرداخت و پرداخت فوق‌العاده‌های مذکور بر عهده دستگاه محل مأموریت گذاشته شده است. از آنجا که اولاً: در تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۴۴ دریافت وجه به عنوان حقوق و هر نوع مزایا از وجوه عمومی یا اختصاصی دولت یا مؤسسات وابسته به دولت جزء از یک وزارتخانه و یا یک مؤسسه برای کارکنان دولت و مؤسسات وابسته به دولت ممنوع دانسته شده است و ثانیاً: در ماده ۱۲ قانون استخدام کشوری، حقوق و مزایای مستخدمین را در مدت مأموریت، منحصر از طریق یک صندوق قابل پرداخت دانسته است و موضوع ماده ۴ قانون تنظیم مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ که طی آن مقنن دریافت هرگونه وجه، کالا و یا خدمات تحت هر عنوان از اشخاص حقوقی و حقیقی توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی غیر از مواردی که در مقررات قانونی مربوط معین شده یا می‌شود را ممنوع اعلام کرده است. لذا با ملاک از رأی وحدت رویه شماره ۱۰۴۷ و ۱۰۴۸ - ۱۳۸۶/۹/۲۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که مفهوم آن با ادعای مطروحه منطبق است زیرا پرداخت اضافه‌کار مستخدمین مأمور به انتخابات را از محل دستگاه مأمورکننده صحیح دانسته است و نیز جمع مواد گفته شده در این بند مشخص می‌گردد که امکان پرداخت دوگانه موضوع این تبصره مغایر قوانین مشروحه و رأی وحدت رویه گفته شده است.

در ماده ۷ آیین‌نامه مطروحه وضع شده که مأمور با حفظ پست سازمانی در دستگاه مبدا «و با پرداخت حقوق و فوق‌العاده‌ها از اعتبار دستگاه محل مأموریت» امکان مأموریت دارد. به عبارتی امر به پرداخت این وجوه از محل مأموریت با وجود پست سازمانی در دستگاه مبدا داده است. این در حالی است که پست سازمان وفق ماده ۶ قانون مدیریت خدمات کشوری عبارت است از جایگاهی که در ساختار سازمانی دستگاه‌های اجرایی برای انجام وظایف و مسئولیت‌های مشخص (ثابت و موقت) پیش‌بینی و برای تصدی یک کارمند در نظر گرفته می‌شود. پست‌های ثابت صرفاً برای مشاغل حاکمیتی که جنبه استمرار دارد ایجاد خواهد شد و در ماده ۷ کارمند دستگاه اجرایی فردی است که بر اساس ضوابط و مقررات مربوط، به موجب حکم و یا قرارداد مقام صلاحیتدار در یک دستگاه اجرایی به خدمت پذیرفته می‌شود. نظر به اینکه حسب ماده ۱۱ قانون استخدام کشوری مأموریت عبارت است از محول شدن وظیفه موقت به مستخدم غیر از وظیفه اصلی که در پست ثابت سازمانی خود دارد. بنابراین حفظ پست سازمانی دایر بر وجود بقای جایگاه کارمند در دستگاه متبوع است که با پرداخت حقوق و مزایا ملازمه دارد به همین دلیل در ماده ۵ آیین‌نامه امکان مأموریت با حفظ پست سازمانی تا ۶ ماه مجاز دانسته شده است و از سوی دیگر عموماً ضوابط و مقررات دستگاه‌های اجرایی مستثنی شده از

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی و امور مجلس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به موجب لایحه شماره ۱۴۰۰/۱۸۰۵۲۸ - ۱۴۰۰/۱۰/۵ توضیح داده است که: "در متن دادخواست نامبرده به شیوه‌نامه اجرای اسناد لازم‌الاجرا اشاره نموده که ظاهراً منظور شیوه‌نامه پذیرش درخواست اجرای مفاد اسناد لازم‌الاجرا از طریق دفاتر اسناد رسمی ۱۳۹۹/۶/۲ - ۹۹/۹۵۲۴۰ می‌باشد. شایان ذکر است شیوه‌نامه مذکور در اجرای بند (ب) اصلاحی ماده ۲ آیین‌نامه اجرا که در تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۶ همراه با ۲۰ ماده پیشنهادی به تصویب رئیس وقت قوه قضاییه رسیده است و آنچه که در شیوه‌نامه مورد اعتراض نامبرده است مواردی است که در آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی مصوب ۱۳۸۷ و اصلاحیه مذکور قید گردیده است. ادعای نامبرده مبنی بر سوء استفاده از چک و ایجاد مشکل برای دارندگان در نتیجه اقدام ادارات اجرای ثبت که علیرغم اینکه در متن چک قید گردیده چک بابت ضمانت یا امانت ... می‌باشد اقدام به صدور اجراییه علیه صادرکننده می‌نمایند و این امر را مغایر با تبصره ۳ بند (ق) ماده ۵ مکرر قانون چک و بندهای (ج) و (ه) ماده ۱۳ قانون چک دانسته در پاسخ اعلام می‌دارد برابر ماده ۱۸۶ آیین‌نامه اجرا که مقرر می‌دارد: دعوی صادرکننده چک در مورد مطالبی که گاهی به عنوان بابت ضمانت و امانت و ... در متن چک نوشته می‌شود.

همچنین مطالب مذکور در ظهر چک در مورد ظهرنویس در اداره ثبت قابل رسیدگی نمی‌باشد و فقط وجه مرقوم در چک قابل صدور اجراییه در اداره ثبت می‌باشد، بنابراین مغایرتی با بند (و) و تبصره ۳ ماده ۵ مکرر قانون چک به نظر نمی‌رسد. در بند مذکور سپری شدن مدت سه سال از تاریخ صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت مشروط به عدم طرح دعوی حقوقی و کیفری در خصوص چک توسط دارنده از موارد رفع سوء اثر از چک می‌باشد از طرفی در بند (د) ارائه نامه رسمی از مرجع قضایی یا ثبتی ذیصلاح مبنی بر اتمام عملیات اجرایی در خصوص چک را از موارد سوء اثر می‌داند. همچنین با توجه به اینکه در ماده ۲ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ مقرر گردیده دارنده چک در صورت مراجعه به بانک و عدم تمام یا قسمتی از وجه آن به علت نبودن محل یا به هر علت دیگری که منتفی به برگشت چک و عدم پرداخت گردد می‌تواند طبق قوانین و آیین‌نامه‌های مربوطه به ادارات اجرای اسناد رسمی وجه چک یا باقیمانده آن را از صادرکننده وصول نماید و از جمله این مقررات مواد ۱۸۳ الی ۱۹۳ آیین‌نامه اجرا می‌باشد که در کلیه موارد به صرف ارائه گواهی عدم پرداخت بنا به هر علتی و با تأیید مطابقت امضای صادرکننده آن از طرف بانک محال علیه دارنده چک می‌تواند تقاضای صدور اجراییه علیه صادرکننده را بنماید. لذا به نظر اقدام ادارات اجرا خلاف مقررات نمی‌باشد. ادعای مغایرت با بندهای (ج) و (ه) ماده ۱۳ قانون صدور چک نیز از حیث اینکه ماده مذکور صرفاً تعقیب کیفری در خصوص بندهای یاد شده را منتفی دانسته و نه اجرای آن از طریق ادارات اجرای ثبت، بلاوجه بوده تقاضای رد شکایت شاکی را دارد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

اولاً: براساس بند «ب» ماده ۲۳ قانون صدور چک (اصلاحی مصوب ۱۳۹۷/۸/۱۳)، یکی از شرایطی که در صورت وجود آنها دادگاه مکلف است حسب مورد علیه صاحب حساب، صادرکننده یا هر دو اجراییه صادر نماید این است که در متن چک قید نشده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است. ثانیاً: حکم مقرر در ماده ۱۸۶ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب ۱۳۸۷/۶/۱۱ رئیس قوه قضاییه مبنی بر اینکه: «دعوی صادرکننده چک در مورد مطالبی که گاهی به عنوان بابت... در متن چک نوشته می‌شود و همچنین مطالب مذکور در ظهر چک در مورد ظهرنویس در اداره ثبت قابل رسیدگی نمی‌باشد و فقط وجه مرقوم در چک قابل صدور اجراییه در اداره ثبت می‌باشد»، با توجه به حکم مقرر در ماده ۲۳ قانون صدور چک (اصلاحی مصوب ۱۳۹۷/۸/۱۳) و به واسطه مغایرت آن با ماده قانونی مزبور به عنوان قانون لاحق نسخ شده و در حال حاضر قابل استناد نیست. بنا به مراتب فوق، بند ۶ از قسمت مربوط به ویژگیهای چکهای مورد تقاضا در ماده ۲ شیوه‌نامه پذیرش درخواست اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا از طریق دفاتر اسناد رسمی که براساس آن مقرر شده است که درج عبارتی از قبیل بابت تضمین انجام کار یا امانت و ... در متن چک مانع از پذیرش نمی‌باشد، با ماده ۲۳ قانون صدور چک (اصلاحی مصوب ۱۳۹۷/۸/۱۳) مغایرت دارد و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

ذکر است که طبق ماده ۳۲ قانون مدیریت خدمات کشوری «هر یک از کارمندان دستگاه‌های اجرایی، متصدی یکی از پست‌های سازمانی خواهند بود و هرگونه به کارگیری افراد و پرداخت حقوق بدون داشتن پست سازمانی مصوب پس از یک سال از ابلاغ این قانون ممنوع است.» اما اینکه شاکی مدعی شده است «حفظ پست سازمانی دایر بر وجود و بقای جایگاه کارمند در دستگاه متبوع است که با پرداخت حقوق و مزایا ملازمه دارد» محل ایراد است، چرا که حتی در فرض مأموریت موضوع بند (ه) ماده ۲۱ قانون مدیریت، قانونگذار مقرر داشته که کارمند رسمی یا ثابت دستگاه اجرایی که تمام یا بخشی از وظایف آن دستگاه به بخش غیردولتی واگذار شده می‌تواند به شکل مأمور در بخش غیردولتی انجم وظیفه کند و در این صورت حقوق و مزایای وی را بخش غیردولتی پرداخت می‌کند. همچنین از مفهوم بند ۳ ماده ۱۲۲ قانون مدیریت می‌توان چنین برداشت نمود که در مواردی اگر کارمند رسمی دستگاه اجرایی به مأموریت اعزام شده باشد بعد از اتمام مأموریت وی پست سازمانی وی همچنان محفوظ باقیمانده و وی در همان پست به فعالیت خود ادامه می‌دهد و دچار حالت آماده به خدمت نمی‌شود.

لذا هیأت وزیران در ماده ۷ آیین‌نامه مورد شکایت با توجه به اختیار قانونی موضوع ماده ۱۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری و با در نظر گرفتن این مطلب که حفظ پست سازمانی کارمند در هنگام مأموریت ملازمه‌ای با پرداخت حقوق و مزایای وی توسط دستگاه مبدا ندارد و موجد دو عنوان شغلی برای کارمند نخواهد بود و کارمند در مدت مأموریت، وظایف مربوط به شغلی که در محل مأموریت به وی واگذار شده را به طور تمام وقت به انجام می‌رساند و بابت آن از دستگاه مقصد حقوق و مزایای خود را دریافت می‌کند و شخص مأمور نسبت به پست سازمانی خود در دستگاه مبدا عهده دار انجام وظیفه‌ای نیست تا اشتغال به شغل بر آن مترتب باشد و به تبع مشمول ممنوعیت‌های تصدی بیش از یک شغل گردد و همچنین این حالت متفاوت از حالتی است که فرد با حفظ وظایف پست سازمانی خود در دستگاه مبدا به دستگاه دیگری مأمور می‌شود، مقرر داشته که «مأموریت کارمند رسمی یا پیمانی از یک دستگاه اجرایی مشمول قانون به دستگاه‌های اجرایی مستثنی شده در ماده ۱۱۷ قانون با حفظ پست سازمانی در دستگاه متبوع و با پرداخت حقوق و فوق‌العاده‌ها از اعتبار دستگاه محل مأموریت در مقاطع زمانی حداکثر یک ساله امکان پذیر است و در هر حال مجموع این قبیل مأموریت‌ها از ۵ سال در طول خدمت کارمند بیشتر نخواهد بود.»

در خصوص خواسته سوم شاکی هر چند در بند ۱ ماده ۵ آیین‌نامه طرح تعاون استانی مأموریت و انتقال اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مصوب ۱۳۹۷ امکان مأموریت اعضای هیأت علمی این دانشگاه به سایر سازمانها، نهادها و ارگانهای دولتی با درخواست بالاترین مقام سازمان مذکور و با موافقت واحد مبدا، موافقت رئیس دانشگاه آزاد اسلامی استان مبدا و تأیید نهایی ریاست دانشگاه به شرط پرداخت حقوق و مزایا توسط سازمان مقصد با رعایت مفاد بخشنامه شماره ۳۰/۴۳۱۳۹ - ۱۳۹۵/۶/۲۳ پیش‌بینی شده است و عبارت «به کارگیری کارمندان شرکتها و مؤسسات غیردولتی» در ماده ۴۷ قانون مدیریت هم به قرینه عبارت مذکور در مواد ۴۴، ۵۱ و ۵۲ این قانون منصرف از وضعیت «مأموریت» به نظر می‌رسد. با این حال اولاً: حسب اینکه اشاره به اعضای هیأت علمی در ماده ۸ آیین‌نامه با توجه به مستثنی شدن آنها طبق ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری صورت گرفته و ماده ۱۱۷ ناظر بر کارمندان دستگاه‌های اجرایی بوده و اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی در چارچوب مواد ۱ تا ۴ قانون مدیریت، کارمند دستگاه‌های اجرایی به شمار نمی‌آیند. ثالثاً به موجب ماده ۱۲۱ قانون مدیریت، اختیار هیأت وزیران در تصویب آیین‌نامه اجرایی نحوه انتقال و مأموریت ناظر بر انتقال و مأموریت کارمندان مشمول این قانون به سایر دستگاه‌های اجرایی است و در این باره اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی اساساً موضوع صلاحیت مقرر در ماده ۱۲۱ قانون مدیریت نیستند. لذا هرگونه انتقال و مأموریت اعضای هیأت علمی دانشگاه مذکور به دستگاه‌های اجرایی مشمول قانون موضوعاً از حکم این مقرر خارج است.

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی استخدامی ارجاع می‌شود و هیأت مذکور به موجب دادنامه شماره ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۱۱۹۶ - ۱۴۰۰/۱۰/۸ تبصره ذیل ماده ۵ و عبارت «با پرداخت حقوق و فوق‌العاده‌های از اعتبار دستگاه محل مأموریت» از ماده ۷ آیین‌نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۲۱ و ماده ۱۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری موضوع تصویب‌نامه شماره ۴۴۲۹۵/۲۰۴۶۱ - ۱۳۸۹/۱/۳۱ هیأت وزیران را قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیت یافت.

رسیدگی به ابطال ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۲۱ و ماده ۱۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری موضوع تصویب‌نامه شماره ۴۴۲۹۵/۲۰۴۶۱ - ۱۳۸۹/۱/۳۱ هیأت وزیران در دستورکار هیأت عمومی قرار گرفت.

قانون مدیریت خدمات کشوری، برای پرداخت و حقوق و مزایا، مستلزم تصدی پست سازمانی یا بر عهده گرفتن کار یا شغل واحد در دستگاه مقصد است که جمع بقای پست سازمانی در دستگاه مبدا و تصدی کار واحد در دستگاه مقصد حتی مفروض بر پرداخت حقوق و مزایا در دستگاه مقصد مولود جمع دو شغل شده که مغایر با اصل ۱۴۱ قانون اساسی و قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل است.

نظر به اینکه در ماده ۸ آیین‌نامه معنونه مأموریت اعضای هیأت علمی رسمی و پیمانی به دستگاه‌های اجرایی موضوع قانون مدیریت خدمات کشوری، ممکن دانسته شده است و عدم تصریح حصری اعضای هیأت علمی رسمی و پیمانی به دانشگاه‌های دولتی در این ماده مجاز بودن مأموریت اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی غیردولتی از جمله دانشگاه آزاد اسلامی که دارای اعضای هیأت علمی رسمی و پیمانی می‌باشند را نیز متصور می‌نماید و نمونه‌های تقدیمی مشخص می‌کنند که مأموران دولتی نسبت به انتصاب اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد منبعث از برداشت موسع خود از ماده ۸ آیین‌نامه مارالبیان اقدام کرده و می‌کنند. لذا این امکان یا استنباط مفروض آن مخالف ماده ۴۷ قانون مدیریت خدمات کشوری می‌باشد. از این رو ماده ۸ آیین‌نامه مواد ۲۱ و ۱۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری تا حدی که متضمن شمولیت اعضای هیأت علمی رسمی یا پیمانی مؤسسات عالی علمی غیردولتی جهت مأموریت در دستگاه‌های مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری باشد، برخلاف ماده گفته شده خواهد بود. با نظر به موارد مطروحه و به شرح مغایرت‌های معنونه ابطال کل تبصره ذیل ماده ۵ و نیز ابطال عبارت «و با پرداخت حقوق و فوق‌العاده‌های از اعتبار دستگاه محل مأموریت» از ماده ۷ و نیز ابطال ماده ۸ تاحدی که بر شمولیت اعضای هیأت علمی رسمی یا پیمانی مؤسسات عالی علمی غیردولتی در آن دلالت می‌کند را استدعا دارد.

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

«آیین‌نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۲۱ و ماده ۱۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری

.....

ماده ۸ - مأموریت کارمندان رسمی یا پیمانی دستگاه‌های اجرایی مستثنی شده در ماده ۱۱۷ قانون و نیز مأموریت اعضای هیأت علمی رسمی یا پیمانی به دستگاه‌های اجرایی مشمول قانون در صورت وجود جواز مأموریت در مقررات استخدامی مورد عمل آنان بلامانع است.»

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست معاون امور حقوقی دولت به موجب لایحه شماره ۴۶۱۷۶/۱۱۴۸۱۷ - ۱۴۰۰/۹/۲۸ توضیح داده است که:

«در خصوص خواسته اول شاکی باید اشاره نمود که طبق ماده ۱۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ مقرر شده که آیین‌نامه اجرایی نحوه انتقال و مأموریت کارمندان مشمول این قانون به سایر دستگاه‌های اجرایی شامل مواردی از جمله نحوه پرداخت حقوق و مزایا و ارتباط سازمانی به پیشنهاد سازمان اداری و استخدامی کشور به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. هیأت وزیران در چارچوب اختیار قانونی واگذار شده، مبادرت به وضع آیین‌نامه مصوب ۱۳۸۹/۱/۳۱ به شماره ۴۴۲۹۵/۲۰۴۶۱ نموده است و از این رو در این باره استناد به تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۴۴ کل کشور و ماده ۱۲ قانون استخدام کشوری در خصوص نحوه پرداخت حقوق و مزایا و ارتباط سازمانی کارمندان مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری مغایر ماده ۱۲۱ قانون مدیریت بوده و حسب ماده ۱۲۷ این قانون کلیه قوانین و مقررات عام و خاص مغایر با قانون مدیریت از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون ملغی است. همچنین در خصوص رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۱۰۴۷ و ۱۰۴۸ - ۱۳۸۶/۹/۲۵ قطع نظر از اینکه رأی مزبور ناظر بر مأموریت کارمندان دستگاه‌های اجرایی در ایام انتخابات است این رأی در چارچوب زمان حاکمیت قانون استخدام کشوری صادر شده و این در حالی است که از ۱۳۸۸/۱/۱ با اجرایی شدن فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری کلیه پرداخت‌ها به کارمندان مشمول این قانون باید طبق فصل مذکور صورت پذیرد.

لذا اینکه هیأت وزیران در تبصره ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۲۱ و ماده ۱۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری در رابطه با مأموریت کارمندان رسمی و پیمانی مشمول قانون به دستگاه‌های دیگر مشمول قانون با حفظ پست سازمانی در دستگاه متبوع مقرر داشته است «پرداخت فوق‌العاده و هزینه‌هایی که حسب مورد در دستگاه محل مأموریت به کارمند تعلق می‌گیرد نظیر اضافه کار و هزینه‌های رفاهی به عهده دستگاه محل مأموریت است» با اختیارات قانونی هیأت وزیران موضوع ماده ۱۲۱ قانون مدیریت تعارضی ندارد و هیأت وزیران در ماده ۹ این آیین‌نامه صرفاً قابلیت پرداخت حقوق و فوق‌العاده‌هایی که حسب مأموریت موضوع مواد ۶، ۷ و ۸ آیین‌نامه به کارمند تعلق می‌گیرد «تنها از یک دستگاه» را موضوع حکم قرار داده و حکم موضوع ماده ۵ آیین‌نامه منصرف از موارد مذکور در ماده ۹ است. در خصوص خواسته دوم شاکی شایان

عنايت به اينکه هيچ گونه اموال اعم از منقول و غيرمنقول نداشته و موکل واقف به تکليف خویش مبنی بر پرداخت مهریه بوده لذا با تقدیم دادخواست اعسار از پرداخت مهریه اقدام که دادخواست به شعبه ۲ دادگاه خانواده اصفهان ارجاع و تحت کلاسه ۹۵۱۳۶۲ ثبت و پس از رسیدگی حکم اعسار موکل مطابق دادنامه شماره ۱۱۵۸۰۹۶۸۳۶۳۰۱۱۵۸ صادر شده و در شعبه ۶ تجدیدنظر اصفهان قطعیت یافته و پرونده اجرایی در شعبه ۱۱ اجرای احکام اصفهان به کلاسه ۹۷۰۸۶۸ تشکیل و مطابق دادنامه مذکور بدو ۸ سکه و سپس هر سه ماه یک سکه به آن اجرا پرداخت نموده که کپی برگ رسید سکه و طلا به پیوست دادخواست تقدیمی می گردد. متعاقب آن نتیجه را به اداره اجرای اسناد رسمی اصفهان اعلام و موکل تقاضای خویش مبنی بر رفع ممنوع الخروجی وفق ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی اعلام که پس از بررسی های لازم رأی شماره ۱۳۹۷۰۶۴۰۲۰۰۳۰۰۰۱۶۳ - ۱۳۹۷/۱/۱۸ - موضوع ماده ۱۶۹ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا مبنی بر رفع ممنوعیت خروج موکل صادر می گردد.

ظرف مهلت مقرر ذینفع خانم عاطفه تصویحان به رأی مذکور اعتراض می نماید که موضوع به هیأت نظارت استان ارسال و مطابق رأی شماره ۱۲۵۸۳ - ۱۳۹۸/۴/۹ اعتراض رد شده و رأی بدوی ابرام می گردد. سپس موکل درخواست رفع ممنوع الخروجی را از اداره ثبت اسناد و املاک استان اصفهان نموده که با پذیرش درخواست ایشان ممنوع الخروجی وی رفع می گردد. متأسفانه پس از گذشت مدتی طبق بخشنامه ۹۹/۱۰۲۹۱ - ۱۳۹۹/۱/۳۰ مجدداً خانم فاطمه تصویحان در مورخ ۱۳۹۹/۲/۸ درخواست ممنوع الخروجی موکل را می نماید. در مورخ ۱۳۹۹/۲/۱۴ اخطار ممنوع الخروجی به ایشان ابلاغ می گردد وقتی موکل اعتراض خویش را اعلام می نماید مسئولین وقت اشاره به بخشنامه مذکور نموده و ادعا داشتند کاری از آنها ساخته نیست. موکل دادخواستی به خواسته ابطال اجرائیه به شعبه ۱۹ دادگاه عمومی حقوقی اصفهان تقدیم نموده که مطابق دادنامه شماره ۱۴۰۰۰۹۳۹۰۰۰۱۰۱۶۲ - ۱۴۰۰/۲/۲۵ قرار عدم صلاحیت به شایستگی دیوان عدالت اداری صادر می گردد. لازم به ذکر است پرونده مهریه موکل هم اکنون در اداره ثبت مفتوح بوده و تمامی حسابهای بانکی ایشان توقیف است و ذینفع هیچ اقدامی نسبت به بستن پرونده و رفع توقیف نمی نماید بنده درخواستی جهت تعیین تکلیف پرونده به اداره ثبت اصفهان داده ولی در پاسخ به ایشان گفتن ما نمی توانیم ذی نفع را اجبار به رفع توقیف از حسابهای بانکی نماییم.

همچنین در حسابهای موکل وجهی نبوده تا توقیف گردد از سال ۱۳۹۳ تاکنون این پرونده بلا تکلیف مفتوح است در ۱۳۹۸/۱۱/۲۰ رأی طلاق اجرا گردید و موکل نیز همچنان نسبت به پرداخت مهریه متعهد بوده ولی متأسفانه موضوع ممنوع الخروجی موجب گردید عملاً زندگی ایشان متوقف گردد و وقتی در خصوص موضوع دعوا (مطالبه مهریه) حکم اعسار قطعی صادر شده است و طبق آرای بدوی و هیأت نظارت اداره ثبت حکم به رفع ممنوع الخروجی صادر شده است متأسفانه مسئولین امر بدون در نظر گرفتن قانون و شرایط افراد کاملاً یک طرفه مبادرت به صدور بخشنامه آن هم برخلاف قانون می نمایند. آنچه مسلم است وفق ماده ۲۳ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی که اشعار دارد بر اینکه مرجع اجرا کننده رأی باید به تقاضای محکوم له قرار ممنوع الخروج بودن محکوم علیه را صادر کند این قرار تا زمان اجرای رأی یا ثبوت اعسار محکوم علیه یا جلب رضات محکوم له یا سپردن تأمین مناسب یا تحقق کفالت مطابق قانون مدنی به قوت خود باقی است. پس مطابق ماده مذکور رفع ممنوعیت منوط به تحقق یکی از این شرایط است: ۱- اثبات اعسار توسط محکوم علیه ۲- رضایت محکوم له ۳- سپردن وثیقه یا کفیل در موضوع این دادخواست اعسار موکل از طریق شعبه ۳ دادگاه خانواده اصفهان صادر و در شعبه ۶ تجدیدنظر استان اصفهان قطعیت یافته است پس عملاً موکل مصداق بارز قانون مذکور هستیم حال با عنایت به پرداخت اقساط و با عنایت به اینکه در تضاد بین قانون و بخشنامه وفق مقررات قانون ارجحیت دارد و عملاً بخشنامه شماره ۹۹/۱۰۲۹۱ - اداره ثبت برخلاف قانون است.

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

" اداره کل محترم ثبت اسناد و املاک استان

با سلام احترام

از آنجا که ملاحظه می گردد برخی متعهدین پرونده های اجرایی با ارائه حکم دادگاه مبنی بر قبول اعسار و تقسیط، به استناد ماده ۲۳ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی تقاضای رفع ممنوع الخروجی را می نمایند، موضوع محضر جناب آقای دکتر خدایان ریاست سازمان گزارش گردید. ایشان دستور فرمودند: «بسمه تعالی - با نظریه اداره حقوقی سازمان در خصوص عدم رفع ممنوع الخروجی به صرف حکم اعسار مدیون موافقم، اقدام لازم به عمل آید.» مراتب جهت اطلاع و ابلاغ به ادارات تابعه به پیوست تصویر نظریه دفتر حقوقی و امور مجلس (به شماره ۱۳۹۸۵۵۹۳۳۱۱۵۰۰۵۰۰ -

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

براساس تبصره ۲ ماده ۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸: «در مواردی که با حفظ مالکیت دولت (یا شرکت دولتی) بهره برداری بخشی از دستگاه ذیربط به بخش غیردولتی واگذار گردد، مأموریت کارمندان مربوط به بخش غیردولتی مجاز می باشد. آیین نامه اجرایی این ماده با پیشنهاد سازمان به تصویب هیأت وزیران می رسد» و به موجب ماده ۱۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری: «آیین نامه اجرایی نحوه انتقال و مأموریت کارمندان مشمول این قانون به سایر دستگاه های اجرایی و مرخصی بدون حقوق شامل نحوه احتساب سوابق خدمت و نحوه پرداخت حقوق و مزایا و ارتباط سازمانی و سایر موارد مربوط با رعایت مفاد این قانون به پیشنهاد سازمان به تصویب هیأت وزیران می رسد.» نظر به اینکه بر مبنای ماده ۸ آیین نامه اجرایی تبصره (۲) ماده (۲۱) و ماده (۱۲۱) قانون مدیریت خدمات کشوری (موضوع تصویب نامه شماره ۴۴۲۹۵/۲۰۴۶۱ - ۱۳۸۹/۱/۳۱ هیأت وزیران)، خارج از اختیار مقرر در تبصره ۲ ماده ۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری مبنی بر وضع آیین نامه در خصوص مأموریت کارکنان دستگاه های اجرایی واگذار شده به بخش غیردولتی و همچنین خارج از اختیار مقرر در ماده ۱۲۱ قانون مدیریت خدمات کشوری مبنی بر وضع آیین نامه اجرایی در مورد نحوه انتقال و مأموریت کارمندان مشمول این قانون به سایر دستگاه های اجرایی، در خصوص مأموریت کارمندان رسمی یا پیمانی دستگاه های اجرایی مستثنی شده در ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری و نیز مأموریت اعضای هیأت علمی رسمی یا پیمانی به دستگاه های اجرایی مشمول قانون مذکور تعیین تکلیف شده، بنابراین حکم مقرر در ماده ۸ آیین نامه اجرایی تبصره (۲) ماده (۲۱) و ماده (۱۲۱) قانون مدیریت خدمات کشوری (موضوع تصویب نامه شماره ۴۴۲۹۵/۲۰۴۶۱ - ۱۳۸۹/۱/۳۱ هیأت وزیران)، خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۰۰۰۰۹۶۸

۱۴۰۰/۱۱/۲۵

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۹۶۵ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۹ با موضوع: «بخشنامه شماره ۱۰۲۹۱/۹۹ - ۱۳۹۹/۱/۳۰ مدیرکل دفتر نظارت بر اجرای اسناد رسمی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در حدی که دادگاه حکم بر اعسار از پرداخت محکوم به موضوع اجرای اسناد رسمی صادر می کند و متضمن غیرقابل اثر بودن رأی صادره توسط مرجع قضایی است ابطال می شود.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۱/۹ شماره دادنامه: ۲۹۶۵ شماره پرونده: ۰۰۰۰۹۶۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای مجید گلشادی با وکالت خانم زینب خزائی پول

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۹۹/۱۰۲۹۱ - ۱۳۹۹/۱/۳۰

مدیرکل دفتر نظارت بر اجرای اسناد رسمی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال بخشنامه شماره ۹۹/۱۰۲۹۱ -

۱۳۹۹/۱/۳۰ اداره ثبت اسناد و املاک کشور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته

اعلام کرده است که:

" به استحضار می رساند موکل به موجب سند رسمی ازدواج به شماره ۵۱۲۷ - ۱۳۹۲/۳/۱ خانم عاطفه تصویحان ازدواج نموده بنا به اظهارات موکل در دوران عقد مشخص گردید ایشان دچار مشکلات جسمی و روحی و خلقی بوده و همین امر موجب اختلاف شدید می گردد که نامبرده نیز مبادرت به تقاضای صدور اجرائیه مهریه نموده که به کلاسه ۹۴۰۱۲۷۴ پرونده در اداره ثبت اسناد و املاک اصفهان تشکیل شده است و متعاقب آن درخواست ممنوع الخروجی موکل را نیز داشته که بنا به درخواست ایشان موکل ممنوع الخروج شده و به محض اطلاع از صدور اجرائیه وفق مقررات قانونی جهت تعیین و تکلیف مهریه و با

شاکی: شرکت کارپیرانوش کاوش پارسیمان با وکالت آقای احمد احمدی
موضوع شکایت و خواسته: ابطال ۱- آیین نامه انضباطی دفاتر مشاوره شغلی و
 کاریابی غیردولتی خارجی (موضوع بخشنامه شماره ۱۸۷۰۰ - ۱۳۹۴/۲/۸ مدیرکل دفتر
 هدایت نیروی کار و کاریابی های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی)
 ۲- صورتجلسه کمیته انضباطی دفاتر مشاوره شغلی و کاریابی های خارجی مورخ
 ۱۳۹۸/۶/۲۴

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال آیین نامه انضباطی دفاتر مشاوره
 شغلی و کاریابی غیردولتی خارجی (موضوع بخشنامه شماره ۱۸۷۰۰ - ۱۳۹۴/۲/۸
 مدیرکل دفتر هدایت نیروی کار و کاریابی های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) و
 صورتجلسه کمیته انضباطی دفاتر مشاوره شغلی و کاریابی های خارجی مورخ ۱۳۹۸/۶/۲۴
 را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" موکل اینجانب با مجوز رسمی از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی سالهاست که به
 مشاوره شغلی و کاریابی بین المللی اشتغال داشته و تمام اهتمام خود را در جهت اشتغال قشر
 متخصص و جویای کار معطوف داشته است. هیأت مرکزی ماده ۷ آیین نامه اجرایی قانون
 مجازات اشتغال به حرفه کاریابی و مشاوره شغلی بدون پروانه کار مصوب مدیرکل اسبق
 دفتر هدایت نیروی کار و کاریابی های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در اقدامی غیرقانونی در
 مورخ ۱۳۹۸/۶/۳۱ در رأی شماره ۱۳۲۶۲۶ حکم به تعلیق سه ماهه مجوز کاریابی موکل داده.
 همچنین هیأت مرکزی ماده ۷ در ادامه اقدامات غیرقانونی خود در مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۴ رأی به
 ابطال مجوز کاریابی موکل داده است. تشکیل کمیته های انضباطی مغایر با ماده ۳۲ آیین نامه
 اجرایی قانون مجازات اشتغال به حرفه کاریابی و مشاوره شغلی بدون پروانه کار مصوب ۱۳۸۷
 می باشد و رسیدگی به تخلفات مؤسسات کاریابی مستند به مواد ۱۰، ۳۰ و ۳۱ آیین نامه اجرایی
 اخیرالذکر به هیأت های استانی واگذار شده است. وفق ماده ۳ آیین نامه انضباطی هدف از تهیه و
 تنظیم سند مذکور «نظارت بر حسن انجام کار کاریابی ها در ثبت نام، کسب فرصت شغلی، اخذ
 روادید، اعزام و به کارگماری کارجویان» ذکر شده است که اولاً: مغایر حکم مقرر در ماده ۳۲
 آیین نامه اجرایی مصوب ۱۳۸۷ می باشد که بر تهیه آیین نامه انضباطی صرفاً با هدف تعیین
 مجازات های قابل اعمال بر مؤسسات متخلف» نموده است. ثانیاً: ماده مذکور ضمن مغایرت با
 وظایف و اختیارات مقرر برای هیأت استانی ماده ۹ مندرج در بندهای (ب) و (پ) ماده ۱۰، ماده
 ۱۷، ۱۸، ۳۰ و ۳۱ آیین نامه اجرایی و همچنین وظایف مقرر برای ادارات کل استانی مندرج در
 بندهای (پ)، (ت)، (ج) و (چ) ماده ۱۱ آیین نامه اجرایی موجب نقض و ممانعت از تنفیذ قانونی
 مواد مذکور و اجرای تصویب نامه کمیسیون اصل ۱۳۸ قانون اساسی گردیده است.

وفق تبصره ۲ ماده ۷ آیین نامه انضباطی، «دفتر هدایت نیروی کار و کاریابی ها
 موظف است موضوع لغو مجوز کاریابی متخلف را به طور مشروح به کلیه استانها اعلام
 نماید تا در سایر استانها از قبول درخواست مجدد کاریابی لغو مجوز شده خودداری شود»
 که با تبصره ماده ۳۲ آیین نامه اجرایی مصوب ۱۳۸۷ مغایرت دارد، چرا که ماده اخیرالذکر
 که مستند قانونی آیین نامه انضباطی نیز می باشد - این مسئولیت را بر عهده «اداره کل
 استان» نهاده است. با توجه به ماده ۳۲ آیین نامه اجرایی مصوب ۱۳۸۷ تشکیل
 کمیته های انضباطی مغایر حکم مقرر در ماده اخیرالذکر است، لذا شعبه ۴۵ دیوان عدالت
 اداری با عنایت به موضوع که مفاد آیین نامه در رسیدگی به تخلفات ارتكابی منتسب به
 شاکی رعایت نشده و رسیدگی ابتدایی به موضوع خارج از حیطه صلاحیت های هیأت
 مرکزی ماده ۷ است، ضمن نقض تصمیم مورد اعتراض حکم به ورود شکایت خواهان
 مبنی بر ارجاع پرونده به هیأت طرف شکایت جهت طرح آن در هیأت استانی صادر نموده
 و طرف شکایت را مکلف به رعایت مفاد رأی در تصمیمات و اقدامی در موارد مشابه و
 خودداری از طرح ابتدایی پرونده تخلفات مؤسسات کاریابی در هیأت مرکزی ماده ۷ و
 کمیته های انضباطی نموده است. لذا با عنایت به موارد معنونه فوق و بر اساس اصل ۱۳۸
 و ۱۷۳ قانون اساسی و مستند به مواد ۱۰، ۱۱، ۱۶ و ۸۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی
 دیوان عدالت اداری رسیدگی و صدور حکم به ابطال آیین نامه انضباطی دفاتر مشاوره
 شغلی و کاریابی خارجی شماره ۱۸۷۰۰ - ۱۳۹۴/۲/۸ و صورتجلسه کمیته انضباطی بدون
 شماره و تاریخ ۱۳۸۸/۶/۲۴ که تاکنون به موکل ابلاغ قانونی نشده را به دلیل غیرقانونی
 بودن آنها هم به جهت تدوین و ابلاغ غیرقانونی و هم به لحاظ مخالفت صریح مفاد
 آیین نامه فوق الذکر با قوانین آمره مورد استعنا می باشد.

متن مقرر در مورد شکایت به شرح زیر است:

" وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

مدیرکل محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی

با سلام و احترام

در اجرای ماده ۳۲ آیین نامه اجرایی قانون مجازات اشتغال به حرفه کاریابی و
 مشاوره شغلی بدون داشتن پروانه کار مصوب ۱۳۸۷ هیأت وزیران به پیوست آیین نامه

۱۳۹۸/۷/۲۲ ارسال می گردد. مسئولیت حسن اجرای این بخشنامه با مدیران کل استانی
 و روسای ادارات اجرا می باشد. - مدیرکل دفتر نظارت بر اجرای اسناد رسمی "
 در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی و امور مجلس سازمان ثبت
 اسناد و املاک کشور به موجب لایحه شماره ۱۴۰۰۵۵۷۳۲۱۰۲۰۰۰۹۱ - ۱۴۰۰/۵/۱۸
 توضیح داده است که:

" با عنایت به اینکه ادای دین به عهده مدیون می باشد بنابراین در صورت عدم
 پرداخت بدهی، اداره اجرا به استناد ماده ۱۷ قانون گذرنامه (مصوب ۱۳۵۲) بنا به
 درخواست متعهدله، متعهد را ممنوع الخروج می نماید، لذا رفع ممنوع الخروجی پس از
 پرداخت حقوق دولتی مدیون عهده مدیون یا با حکم یا دستور قضایی و یا به درخواست
 متعهدله امکان پذیر است. بنابراین صرف صدور حکم اعسار و تقسیط محکوم به در مرجع
 قضایی مجوزی جهت رفع ممنوع الخروجی بدهکار پرونده اجرایی نمی باشد و رعایت
 آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا در ادارات اجرا ثبت لازم الاتباع بوده و ماده
 ۲۳ محکومیت های مالی (مصوب ۱۳۹۲) ناظر بر احکام و آراء صادره از محاکم دادگستری
 می باشد و در اجرای دستور ریاست سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، این دفتر اقدام به
 صدور بخشنامه مدنظر نموده است. لازم به ذکر است با توجه به اینکه در دادخواست
 شاکی به این موضوع اشاره شده که در تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۰ رأی طلاق اجرا شده است و
 حکم مبنی بر تقسیط مهریه به قرار هر ۳ ماه یک سکه صادر گردیده است. لذا فارغ از
 موضوع اعسار وفق رأی شماره ۵۰۶۶ - ۱۳۹۶/۱/۲۷ شورای عالی ثبت، چنانچه طبق
 گواهی صادره از مرجع قضایی راجع به کل دین موضوع سند لازم الاجرا در مراجع قضایی
 حکم صادر شده باشد و طلب در حال وصول باشد پرونده اجرایی ثبت پس از تعیین تکلیف
 راجع به نیم عشر اجرایی بنا به درخواست ذینفع قابل مختومه نمودن (و ملاً رفع
 ممنوع الخروجی) خواهد بود بنابراین شاکی می تواند وفق مقررات ماده ۱۶۹ آیین نامه
 اجرای اسناد رسمی اعتراض خود را پیگیری نماید. لذا بنا به مراتب فوق الذکر ایرادات
 مطروحه رد می گردد، نهایتاً رد شکایت شاکی مورد استعناست."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۹ با حضور رئیس و معاونین
 دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از
 بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به حکم مقرر در ماده ۲۳ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب
 ۱۳۹۴/۳/۲۳ مبنی بر اینکه: «مرجع اجراکننده رأی باید به تقاضای محکوم له قرار
 ممنوع الخروج بودن محکوم علیه را صادر کند. این قرار تا زمان اجرای رأی یا ثبوت اعسار
 محکوم علیه یا جلب رضایت محکوم له یا سپردن تأمین مناسب یا تحقق کفالت مطابق
 قانون مدنی به قوت خود باقی است» اطلاق بخشنامه شماره ۹۹۱/۱۰۲۹۱ - ۱۳۹۹/۱/۳۰
 مدیرکل دفتر نظارت بر اجرای اسناد رسمی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در حدی
 که دادگاه حکم بر اعسار از پرداخت محکوم به موضوع پرونده اجرای اسناد رسمی صادر
 می کند و متضمن غیرقابل اثر بودن رأی صادره توسط مرجع قضایی است، خلاف قانون و
 خارج از حدود اختیار بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین
 دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتهای مظفری

شماره ۰۰۰۱۴۸۹

۱۴۰۰/۱۱/۲۷

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه
 ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۹۷۳ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ با موضوع: «آیین نامه انضباطی دفاتر
 مشاوره شغلی و کاریابی غیردولتی خارجی (موضوع بخشنامه شماره ۱۸۷۰۰ - ۱۳۹۴/۲/۸
 مدیرکل دفتر هدایت نیروی کار و کاریابی های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) ابطال
 شد. صورتجلسه کمیته انضباطی دفاتر مشاوره شغلی و کاریابی های خارجی موضوع
 ۱۳۹۸/۶/۲۴ قابل طرح در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیست و به شعبه دیوان
 ارجاع می شود.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ شماره دادنامه: ۲۹۷۳ شماره پرونده: ۰۰۰۱۴۸۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

موجب ماده واحده قانون مجازات اشتغال به حرفه کارایی و مشاوره شغلی بدون داشتن پروانه کار مصوب ۱۳۸۰/۷/۱۰: «شخصی می‌تواند به حرفه کارایی و مشاوره شغلی اشتغال ورزند که طبق آیین‌نامه اجرایی این قانون از وزارت کار و امور اجتماعی پروانه کار تحصیل نمایند» و مطابق تبصره ۴ همین قانون: «ظرف حداکثر دو ماه از تاریخ تصویب این قانون، آیین‌نامه اجرایی آن توسط وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید» و در حال حاضر، آیین‌نامه حاکم در این موضوع، آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات اشتغال به حرفه کارایی و مشاوره شغلی بدون داشتن پروانه کار مصوب ۱۳۸۷/۱۰/۱ هیأت وزیران است که ضمن احصای تخلفات مؤسسات کارایی، درخصوص تشکیل مراجعی تحت عنوان هیأت‌های مرکزی و استانی برای رسیدگی به موارد تخلف مؤسسات کارایی تعیین تکلیف کرده است. بنا به مراتب فوق و با عنایت به اینکه بر مبنای آیین‌نامه انضباطی دفاتر مشاوره شغلی و کارایی غیردولتی خارجی (موضوع بخشنامه شماره ۱۸۷۰۰ - ۱۳۹۴/۲/۸ - مدیرکل دفتر هدایت نیروی کار و کارایی‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) به وضع ضوابطی مغایر با آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات اشتغال به حرفه کارایی و مشاوره شغلی بدون داشتن پروانه کار مصوب ۱۳۸۷/۱۰/۱ هیأت وزیران اقدام شده است، بنابراین آیین‌نامه انضباطی مزبور خلاف قانون و خارج از حدود اختیار بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

ب - براساس بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداریها و مؤسسات عمومی غیردولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز و یا سوء استفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایف موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود، از جمله صلاحیتها و وظایف هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است. نظر به اینکه صورتجلسه مورخ ۱۳۹۸/۶/۲۴ کمیته انضباطی دفاتر مشاوره شغلی و کارایی‌های خارجی واجد جنبه موردی بوده و متضمن وضع قاعده عام‌الشمول نیست؛ بنابراین از مصادیق مقررات موضوع بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ محسوب نمی‌شود و رسیدگی به آن در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری قابل طرح نبوده و به شعبه دیوان عدالت اداری ارجاع می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

شماره ۹۹۰۳۱۵۸

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۹۷۶ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۶ با موضوع: «عبارت «وضعیت شغلی آنان در سیستم سجایا بیکار ثبت شده باشد» از بند ۴ بخش چهارم امتیازات و سهمیه‌های قانونی قسمت «ب» سهمیه ایثارگران از دفترچه راهنمای ثبت‌نام پنجمین آزمون استخدامی دستگاههای اجرایی در تیرماه ۱۳۹۷ ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶ شماره دادنامه: ۲۹۷۶ شماره پرونده: ۹۹۰۳۱۵۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای سید مرتضی منصوری

موضوع شکایت و خواسته: ابطال عبارت «وضعیت شغلی آنان در سیستم سجایا بیکار ثبت شده باشد» از بند ۴ بخش چهارم امتیازات و سهمیه‌های قانونی قسمت (ب) سهمیه ایثارگران از دفترچه راهنمای ثبت‌نام پنجمین آزمون استخدامی دستگاه‌های اجرایی کشور در تیر ماه سال ۱۳۹۷

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال عبارت «وضعیت شغلی آنان در سیستم سجایا بیکار ثبت شده باشد» از بند ۴ بخش چهارم امتیازات و سهمیه‌های قانونی قسمت (ب) سهمیه ایثارگران از دفترچه راهنمای ثبت‌نام پنجمین آزمون استخدامی دستگاه‌های اجرایی کشور در تیر ماه سال ۱۳۹۷ را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

انضباطی تنظیم شده در خصوص نحوه برخورد با تخطی دفاتر مشاوره شغلی و کارایی غیردولتی خارجی از مفاد آیین‌نامه و ضوابط مرتبط جهت استحضار و بهره‌برداری لازم ارسال می‌گردد. خواهشمند است دستور فرمایید آیین‌نامه یاد شده به مدیران دفاتر مشاوره شغلی و کارایی غیردولتی خارجی در آن استان برای اطلاع و توجه لازم از سوی آنان ابلاغ گردد. - مدیرکل دفتر هدایت نیروی کار و کارایی‌ها

صورتجلسه کمیته انضباطی دفاتر مشاوره شغلی و کارایی‌های خارجی

جلسه کمیته انضباطی برای رسیدگی به تخلفات مؤسسه مشاوره شغلی و کارایی کارپیرا با حضور اعضای ذیل الذکر در تاریخ ۱۳۹۸/۶/۲۴ در دفتر هدایت نیروی کار و کارایی‌ها برگزار گردید. موارد مطروحه:

عدم اجرای توافق نامه مورخ ۱۳۹۸/۵/۱۳ توسط دفتر کارایی کارپیرا

نامه بنیاد شهید انقلاب اسلامی به شماره ۱۶۱۶/۹۸/۹۳۸۴۹ - ۱۳۹۸/۵/۲۲ درخصوص

رسیدگی به شکایت آقای شهروز علیزاده تبریزی (برادر شهید) از کارایی کارپیرا

شکایات متعدد متقاضیان از کارایی کارپیرا در نمایندگی کارایی مذکور در شهرستان ارومیه

رأی کمیته انضباطی: اعضای کمیته انضباطی با توجه به عدم اجرای توافقنامه مورخ ۱۳۹۸/۵/۱۲ و عدم رسیدگی به شکایتهای وارده توسط کارایی کارپیرا، فعالیت کارایی مذکور را به مدت سه ماه تعلیق نموده تا در این مدت ضمن اجرای توافقنامه به تمام شکایتهای رسیدگی و تعیین تکلیف نماید. در غیراین صورت پرونده کارایی یاد شده جهت لغو مجوز به هیأت مرکزی ماده ۷ آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات اشتغال به حرفه کارایی و مشاور شغلی بدون داشتن پروانه کار ارجاع خواهد شد. - مدیرکل دفتر معاونت نیروی کار و کارایی - نماینده اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان خراسان رضوی رئیس حوزه نظارت بر کارایی‌های خارجی - کارشناس گروه نظارت بر کارایی‌های خارجی " در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست اداره کل حقوقی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به موجب لایحه شماره ۱۰۲۸۱۵ - ۱۴۰۰/۶/۱۷ توضیح داده است که:

" به استناد مفاد ماده ۳۲ آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات اشتغال به حرفه کارایی و مشاوره شغلی بدون داشتن پروانه کار مصوب ۱۳۸۷ هیأت وزیران، در تعیین مرجع تهیه آیین‌نامه انضباطی، لفظ عام وزارت آورده شده که با توجه به تأیید مقام عالی وزارت بر حکم مسئولیت مدیرکل دفتر هدایت نیروی کار و کارایی‌ها، مدیرکل مربوطه متولی امور سیاستگذاری برنامه می‌باشد. در هیچ کدام از مواد و بندهای مندرج در آیین‌نامه اجرایی اشاره‌ای به این مطلب نشده است که در تهیه دستورالعمل‌های مندرج در آیین‌نامه اجرایی و از جمله آیین‌نامه انضباطی از مرجع دیگری استعلام صورت گیرد. بر همین مبنا از ابتدای تصویب آیین‌نامه اجرایی و متعاقب آن با استناد به قوانین و آیین‌نامه اجرایی و عرف و رویه موجود استعلامی صورت نگرفته و لذا در مورد آیین‌نامه انضباطی اسبق نیز چنین بوده است. البته شایان ذکر است در زمان تصدی مدیریت فعلی دفتر هدایت نیروی کار و کارایی‌ها سیاست اتخاذ شده بر آن بوده است تا برای اتخاذ تصمیمات کلی حقوقی (نظریه، آیین‌نامه، دستورالعمل و ...) نظر دفتر حقوقی وزارت استعلام و اخذ شود. ذکر این نکته بسیار حائز اهمیت است که آیین‌نامه انضباطی دفاتر مشاوره شغلی و کارایی غیردولتی خارجی که با شماره ۱۸۷۰۰ - ۱۳۹۴/۲/۸ از سوی مدیریت اسبق دفتر هدایت نیروی کار و کارایی‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به مدیران کل ستادی و استانی ابلاغ شده است.

مؤسسه کارایی خارجی کارپیرا پس از ابلاغ رأی تعلیق موقت فعالیت توسط هیأت موضوع ماده ۷ آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات اشتغال به حرفه کارایی و مشاوره شغلی بدون داشتن پروانه کار مصوب ۱۳۸۷ (موضوع آن با موضوع رأی ابطال مجوز کارایی مذکور) واحد می‌باشد، اقدام به ارائه دادخواست در دو مرحله بدوی و تجدیدنظر در شعب ۶۴ بدوی و ۱۳ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری و همچنین دادرسی عمومی و انقلاب ناحیه ۲۸ (جرایم کارکنان دولت) نموده که در تمام مراحل آرای صادره در رد دادخواست‌های شرکت کارپیرا نوین کاوش پارسین (مؤسسه کارایی خارجی کارپیرا) و به نفع دفتر هدایت نیروی کار و کارایی‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بوده است. بر این اساس رد شکایت شاکي شرکت کارپیرا نوین کاوش پارسین از آن هیأت مورد استدعاست.

"هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ به ریاست معاون قضایی دیوان عدالت اداری در امور هیأت عمومی و با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - اولاً: براساس اصل سی و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.» ثانیاً: به

مدیرکل امور حقوقی و معاضدت قضایی بنیاد شهید و امور ایثارگران نیز در پاسخ به شکایت مذکور، به موجب لایحه شماره ۵۴۰۷/۰۰/۳۱۸۱۹-۵۴۰۷/۴-۱۴۰۰ توضیح داده است که:

«اولاً: ابطال بند ۴ صفحه ۵ دفترچه راهنمای ثبت نام آزمون استخدامی تیر ماه سال ۱۳۹۷ دستگاه‌های اجرایی کشور، صرف نظر از سپری شدن زمان و مهلت انجام امور اداری و استخدامی آن که می‌تواند از مصادیق بندهای (ب)، (ت)، (ج) ماده ۵۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری باشد، هیچ‌گونه ارتباطی با بنیاد شهید و امور ایثارگران نداشته بنابراین به استناد بند (پ) ماده مذکور و عدم توجه شکایات به این نهاد رد دادخواست به طرفیت بنیاد مورد استدعاست. ثانیاً: حسب اقرار صریح شاکی در ستون مشخصات و در قسمت مربوط به شغل همچنین حکم کارگزینی دادخواست‌های تقدیمی وی به شعب بدوی و تجدیدنظر دیوان، نامبرده کارمند رسمی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور می‌باشد، بنابراین ایشان از شمول افراد بیکار در حوزه سازمان امور اداری و استخدامی کل کشور و اداره کل اشتغال بنیاد خارج می‌باشد و در حالی که تعداد کثیری از ایثارگران بیکار بوده و جهت ازدواج و تشکیل زندگی مشترک نیاز مبرم به شغل دارند، مشخص نیست که شاکی علیرغم اشتغال به صورت رسمی به چه علت خود را محق به معرفی جهت استفاده از سهمیه استخدامی می‌داند! ثالثاً: شاکی مدعی شده که در ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران «قیدی مبنی بر بیکاربودن جامعه مشمول سهمیه استخدامی ایثارگران به میان نیامده» در حالی که این موضوع بدیهی و روشن و در اصطلاح اظهارمن الشمس بوده و نیاز به بیان ندارد چرا که سهمیه استخدامی مختص افراد فاقد شغل و بیکار بوده و ادعای ایشان هیچ‌گونه مبنای عقلی و منطقی ندارد. بنابراین صرف نظر از عدم ارتباط موضوع دعوا با این نهاد خواسته شاکی فاقد وجهت قانونی بوده لذا رد دادخواست مشارالیه از آن مرجع مورد استدعاست.»

همچنین معاون وزیر و رئیس سازمان سنجش آموزش کشور نیز در پاسخ به شکایت مذکور به موجب لایحه شماره ۵۲۶۹-۱۴۰۰/۲/۲ توضیح داده است که:

«بدلاً آزمون معترض‌عنه برگزار و نتیجه قطعی آزمون نیز اعلام و پذیرفته شدگان نهایی هم اکنون مشغول به کار شده‌اند، بنابراین موضوع خواسته و شکایت شاکی تالی فاسد خواهد داشت و موجب تضییع حقوق برخی داوطلبان می‌شود. طبق ماده ۲۲ قانون وصول بخشی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین تعهدات این سازمان در آزمونهای استخدامی و شغلی صرفاً برگزاری آزمون علمی بوده و در تدوین و وضع مقررات و شرایط و ضوابط استخدامی و امتیازات ایثارگران هیچ نقشی ندارد. موضوع خواسته و شکایت شاکی از حدود اختیارات و صلاحیت ذاتی این سازمان خارج است بند مورد اشاره شاکی در دادخواست تقدیمی به سفارش بنیاد شهید و امور ایثارگران در دفترچه راهنمای شرکت در آزمون درج شده است و این سازمان در وضع مقررات مربوط به ایثارگران نقشی ندارد لذا صدور قرار رد شکایت مورد تقاضاست.»

«هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۶ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.»

رأی هیأت عمومی

اولاً: براساس ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب سال ۱۳۸۶ مقرر شده است که: «کلیه دستگاه‌های موضوع ماده (۲) این قانون مکلفند حداقل بیست و پنج درصد از نیازهای استخدامی و تأمین نیروهای مورد نیاز خود را اعم از رسمی، پیمانی، قراردادی، شرکتی که وفق ضوابط و مجوزهای مربوط و جایگزینی نیروهای خروجی خود اخذ می‌نمایند، به خانواده‌های شاهد، جانبازان و آزادگان، همسر و فرزندان شهدا و جانبازان بیست و پنج درصد و بالاتر، فرزندان و همسران آزادگان یک سال و بالای یک سال اسارت، اسرا و خواهر و برادر شاهد اختصاص دهند و پنج درصد سهمیه استخدامی را نیز به رزمندگان با سابقه حداقل شش ماه حضور داوطلبانه در جبهه‌ها و همسر و فرزندان آنها و فرزندان جانبازان زیر بیست و پنج درصد و آزادگان کمتر از یک سال اسارت اختصاص دهند» و در این ماده حکمی در خصوص لزوم بیکار بودن مشمولین ماده فوق و ثبت وضعیت اشتغال آنها در سیستم سجایا جهت برخورداری از سهمیه استخدامی مقرر نشده است. ثانیاً: براساس رأی شماره ۱۰۵۸ - ۱۳۹۶/۱۰/۲۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، عبارت «داوطلبان استخدام نباید از مستخدمین رسمی، ثابت و پیمانی دستگاه‌های اجرایی باشند»، از شرایط عمومی استخدامی مندرج در دفترچه راهنمای سومین آزمون استخدامی متمرکز دستگاه‌های اجرایی کشور در شهریور ماه ۱۳۹۵، مغایر با اصل ۲۸ قانون اساسی تشخیص و ابطال شده است. بنا به مراتب فوق و با توجه به اینکه در قوانین و مقررات قیدی مبنی بر لزوم بیکار بودن مشمولین ماده ۲۱

به استحضار می‌رساند با توجه به ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۴، ۲۵ درصد سهمیه استخدامی را به خانواده‌های شاهد، جانبازان و آزادگان همسر و فرزندان شهدا و جانبازان ۲۵٪ و بالاتر، فرزندان و همسران آزادگان یک سال و بالای یک سال اسارت، اسرا و خواهر و برادر شاهد اختصاص داده شده است و در زمان حاکمیت قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران به استناد ماده واحده اصلاح بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجساله توسعه مصوب سال ۱۳۹۰ مقرر شده بود: «کلیه دستگاه‌ها مکلفند در چارچوب سهمیه استخدامی و جایگزینی نیروهای خروجی خود حداقل ۲۵٪ نیازهای استخدامی خود را از میان جانبازان و آزادگان فاقد شغل و فرزندان و همسران شهدا و جانبازان ۲۵٪ و بالاتر و فرزندان و همسران آزادگان بالای یک سال اسارت، معرفی شده از سوی بنیاد شهید و امور ایثارگران، تأمین و به استخدام آنان از محل مجوزهای مربوط و پستهای بدون تصدی اقدام نمایند» که با پایان یافتن مدت برنامه پنجم توسعه در پایان سال ۱۳۹۵ قید فاقد شغل و معرفی شده از سوی بنیاد شهید و امور ایثارگران نیز ملغی اثر گردیده است. اما در دفترچه راهنمای ثبت نام پنجمین آزمون استخدامی دستگاه‌های اجرایی کشور تیر ماه سال ۱۳۹۷ در سایت سازمان سنجش کشور در بخش چهارم امتیازات و سهمیه‌های قانونی (ب) سهمیه ایثارگران/ بند ۴: شرط استفاده مشمولین سهمیه استخدامی ۲۵ درصد ایثارگران بیکار بودن شخص در سامانه سجایا ذکر گردیده است: درخواست ابطال عبارت مذکور با توجه به موارد زیر رادارم: ۱- بند ۴ با قاعده لاضرر و لاضرار می‌باشد. ۲- تجاوز و سوء استفاده از اختیارات. ۳- محدود کردن دامنه مشمولین سهمیه ۲۵ درصد به بیکاران بدون مجوز قانونی و محرومیت بخشی از ایثارگران شاغل از امتیازات قانونی. ۴- تصویب خارج از اختیارات مرجع تصویب‌کننده.

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

«صفحه ۵ دفترچه راهنمای ثبت نام پنجمین آزمون استخدامی اجرایی کشور تیرماه ۱۳۹۷»
۴- مشمولین سهمیه استخدامی ۲۵ درصد ایثارگران برای ثبت نام و بهره‌مندی از این سهمیه الزاماً بایستی وضعیت شغلی آنان در سیستم سجایا (سیستم جامع اطلاعات یکپارچه ایثارگران) بیکار ثبت شده باشد. بنابراین به تمامی ایثارگران خواهان بهره‌مندی از سهمیه استخدامی مذکور توصیه و تأکید می‌شود برای حصول اطمینان از امکان بهره‌مندی خود از طریق سایت ایثار و یا بنیاد شهید و امور ایثارگران محل پرونده خود نسبت به مشخص شدن وضعیت شغلی خود و در صورت لزوم اصلاح آن اقدام نمایند.

تذکر: چنانچه مشمولین سهمیه ۲۵ درصد ایثارگران، وفق ضوابط جاری بنیاد شهید و امور ایثارگران، در اولویت یا شمول سهمیه مذکور قرار نگیرند، صرفاً از معافیت شرط حداقل معدل و حداکثر سن بهره‌مند خواهند گردید و مجاز به انتخاب شغل محل‌های مشخص شده برای سهمیه ایثارگران نمی‌باشند و در صورت انتخاب شغل محل‌های موصوف توسط داوطلبان یاد شده انتخاب آنها کان لم یکن تلقی شده و داوطلب هیچ‌گونه اعتراضی نخواهد داشت.»

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس امور حقوقی و مجلس سازمان اداری و استخدامی کشور به موجب لایحه شماره ۱۴۶۱۶ - ۱۴۰۰/۳/۲۴ توضیح داده است که:

«به استناد بند (ز) ماده ۸۷ قانون برنامه ششم توسعه، مسئولیت رسیدگی و ارائه خدمات مطابق قوانین و مقررات به کلیه جانبازان، آزادگان و خانواده معظم شهدا که در بنیاد شهید و امور ایثارگران دارای پرونده ایثارگری می‌باشند به عهده بنیاد مذکور بوده و مسئول رسیدگی و ارائه خدمات رزمندگان هشت سال دفاع مقدس با معرفی و تأیید واحد یا مرکز امور ایثارگران نیروهای مسلح با سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (سانا) می‌باشد. همچنین بر اساس بند ۹/۸ سند راهبردی خدمات‌رسانی به رزمندگان مراجع تأیید مدت حضور داوطلبان در جبهه‌ها عبارتند از: ۱- معاونت نیروی انسانی هر یک از رده‌های نیروهای مسلح در مورد رزمندگان متبوع خود ۲- معاونت نیروی انسانی سازمان بسیج مستضعفان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مورد بسیجیان و نیروهای مردمی اعم از مستخدمین دولت و صاحبان مشاغل و صنوف آزاد و افراد فاقد شغل ۳- معاونت توسعه و منابع انسانی وزارت جهاد کشاورزی در مورد جهادگران.»

لذا با توجه به هماهنگی‌های به عمل آمده با بنیاد شهید و امور ایثارگران، سهمیه استخدامی ایثارگران موضوع ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران و اصلاحیه آن، در آگهی‌های استخدامی درج و مشمولین مورد تأیید این قانون در فضای رقابتی با یکدیگر شرایط استخدام خود را در دستگاه‌های اجرایی فراهم می‌نمایند. بدیهی است اعلام افراد به عنوان ایثارگران موضوع این بند برای بهره‌مندی از امتیازات استخدامی، توسط بنیاد مذکور صورت می‌پذیرد که شرایط اعلامی در دفترچه نیز بر اساس اعلام آن بنیاد درج گردیده است. بر اساس دادنامه شماره ۸۸۱ - ۱۳۹۸/۵/۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که در مقام ابطال بخشنامه شماره ۳۰/۶۰۵۲ - ۳۰/۹/۳ - ۳۰/۹/۳ مورخ ۱۳۹۵/۲/۱۱ معاون تعاون و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران استان اصفهان مبنی بر تلقی اشتغال به تحصیل به عنوان ملاک بیکار نبودن در سامانه سجایا صادر شده است. به صراحت بر اینکه «شرط غیرشاغل بودن لازمه برخورداری از سهمیه ایثارگران می‌باشد» تصریح شده است. تقاضای رد شکایت را دارد.»

۵ - برای استخدام رسمی قطعی باید صلاحیت تمامی افراد به تأیید گزینش رسیده باشد. - وزیر نفت "

علی‌رغم ابلاغ دادخواست و ضامن آن به وزارت نفت، تا زمان رسیدگی به پرونده در جلسه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، پاسخی از سوی آن وزارتخانه واصل نشده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۶ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداریو رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه براساس تبصره ۲ ذیل بند «و» ماده ۴۴ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵ مقرر شده است که: «رزمندگان با حداقل شش ماه حضور داوطلبانه در جبهه، جانبازان، آزادگان و همسران شهدا، جانبازان و آزادگان، فرزندان شاهد و جانباز و آزاده از شرط جنسیت برای استفاده از سهمیه استخدامی معاف و دستگاههای مشمول این قانون موظفند بدون الزام به رعایت شرط سنی، تحصیلی، معدل و آزمون و با احراز شرایط عمومی گزینش با هماهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران و از ابتدا، آنان را به صورت رسمی قطعی استخدام نمایند» و در قانون تفسیر بند «و» ماده ۴۴ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۹/۷/۲۷ و همچنین تبصره ۱ ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۸۶/۴/۳ به لزوم رعایت شرط سنی تصریح نشده است، بنابراین دستورالعمل نحوه تبدیل وضعیت ایثارگران مشمول قانون تفسیر بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران در وزارت نفت (موضوع بخشنامه شماره ۲/۲۰-۷۳۱ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۴ وزارت نفت) که برای تبدیل وضعیت مشمولین قراردادی موقت به کارمند رسمی شرط سنی تعیین کرده است، خارج از حدود اختیار و مغایر با قانون بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۰۰۰۲۵۸۴

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۹۷۸ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۶ با موضوع: «بند ۳ بخشنامه شماره ت‌م/۲۹۲۲۲۸ - ۱۴۰۰/۷/۲۹ مدیرکل تدوین و هماهنگی مقررات اداری و استخدامی وزارت نفت درخصوص جلوگیری از ورود کارمندان دولتی به ادارات از آنجا که مغایر با مصوبه ستاد ملی مدیریت بیماری کرونا است ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶ شماره دادنامه: ۲۹۷۸ شماره پرونده: ۰۰۰۲۵۸۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای مسلم خداویسی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۳ بخشنامه شماره ت ه م/۲۹۲۲۲۸ -

۱۴۰۰/۷/۲۹ مدیرکل تدوین و هماهنگی مقررات اداری و استخدامی وزارت نفت

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال بند ۳ بخشنامه شماره ت ه م/۲۹۲۲۲۸

- ۱۴۰۰/۷/۲۹ وزارت نفت را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" به استحضار می‌رساند: وزارت نفت طی بخشنامه شماره ت ه م/۲۹۲۲۲۸ -

۱۴۰۰/۷/۲۹، بند ۳ برای کارکنانی که واکسن کرونا دریافت نکرده‌اند مجازات اخراج

وضع کرده که صراحتاً با اصول ۲۲ و ۳۶ قانون اساسی مغایر است. لازم به ذکر است

واکسن مذکور دارای مجوز اضطراری بوده و تأییدیه‌های لازم را ندارد و بنابراین

عوارض آن مورد مطالعه و پایش قرار نگرفته است. همچنین گزارش‌های زیادی از

اطرافیان در مورد عوارض شدید و مرگ در اثر تزریق واکسن وجود دارد در حالی که

در مقابل کمترین میزان ایمنی بخشی را دارد. برای مثال طبق مطالعه دانشگاه علوم

پزشکی شیراز میزان اثربخشی واکسن سینوفارم در جلوگیری از ابتلا به کرونا تنها

۵۵ درصد است."

قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران و ثبت وضعیت اشتغال آنها در سیستم سجایا جهت برخورداری از سهمیه استخدامی مقرر نگردیده و با اخذ وحدت ملاک از مفاد رأی شماره ۱۰۵۸ مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، عبارت «وضعیت شغلی آنان در سیستم سجایا بیکار ثبت شده باشد» از بند ۴ بخش چهارم امتیازات و سهمیه‌های قانونی قسمت «ب» سهمیه ایثارگران از دفترچه راهنمای ثبت‌نام پنجمین آزمون استخدامی دستگاههای اجرایی در تیرماه ۱۳۹۷ خارج از حدود اختیار و مغایر با قانون است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۰۰۰۱۴۹۳

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۹۷۷ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۶ با موضوع: «بخشنامه شماره ۲/۲۰-۷۳۱ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۴ وزارت نفت که برای تبدیل وضعیت مشمولین قراردادی، وقت به کارمند رسمی شرط سنی تعیین کرده است ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶ شماره دادنامه: ۲۹۷۷ شماره پرونده: ۰۰۰۱۴۹۳

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: خانم اعظم جنگی اقدم

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۲/۲۰-۷۳۱ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۴

وزارت نفت

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال بخشنامه شماره ۲/۲۰-۷۳۱ مورخ

۱۳۹۹/۱۱/۱۴ وزارت نفت را به دلیل اینکه تعیین سقف سنی برای ایثارگران مشمول قانون تفسیر بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران است و بخشنامه مورد شکایت مغایر با عموم و اطلاق مصرح در قانون مذکور و همچنین مخالف ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران می‌باشد، خواستار شده است.

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

" معاون محترم توسعه مدیریت و سرمایه انسانی

موضوع: قانون تفسیر بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه کشور

(تبدیل وضعیت ایثارگران مشمول به رسمی)

با سلام، پیرو ابلاغ قانون تفسیر بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجساله پنجم

توسعه کشور مصوب ۱۳۹۹/۷/۲۷ مجلس شورای اسلامی و بخشنامه شماره ۳۷۵۹۹-۱۳۹۹/۹/۲۵

معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور، موارد زیر

در مورد ایثارگران مشمول ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران و اصلاحات و

الحاقت بعدی آن که در زمان حاکمیت قانون برنامه پنجم توسعه کشور (سال ۱۳۹۰ تا

تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۹) به صورتی غیر از استخدام رسمی توسط شرکتهای اصلی تابعه

وزارت نفت و به صورت مستقیم به کارگیری شده و در حال حاضر با شرکت رابطه

استخدامی داشته باشند (قرارداد پیمانی/ مدت موقت/ مدت معین)، با رعایت سایر مقررات

اداری و استخدامی صنعت نفت جهت اقدام ابلاغ می‌گردد:

۱- مشمولین چنانچه در وضعیت استخدام پیمانی باشند به کارمند رسمی تبدیل

وضعیت شوند.

۲- مشمولین قراردادی مدت موقت با مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر با رعایت شرط

سن (حداکثر ۵۰ سال تمام برای کارمندان مرد و ۴۵ سال تمام برای کارمندان زن در

تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۷/۲۷) در برابر سمت سازمانی متناسب با رشته/ مقطع تحصیلی (در

صورت وجود سمت بلا تصدی با شرایط احراز مناسب برای افراد مشمول) به کارمند

رسمی تبدیل وضعیت گردند.

۳- مشمولین قراردادی مدت موقت با مدرک تحصیلی پایین تر از دیپلم به کارگر

رسمی (تابع قانون کار و تأمین اجتماعی) تبدیل وضعیت می‌شوند.

۴- در خصوص ایثارگران مشمول قراردادی مدت معین، با توجه به حکم تبصره ۱

ذیل بند ۵ بخشنامه مذکور، موضوع تحت پیگیری بوده که متعاقباً اعلام می‌گردد.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تعیین سقف سنی برای استخدام فرزندان شهدا، جانبازان و ایثارگران در شرایط اختصاصی آگهی استخدام سال ۱۴۰۰ نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال تعیین سقف سنی برای استخدام فرزندان شهدا، جانبازان و ایثارگران در شرایط اختصاصی آگهی استخدام سال ۱۴۰۰ نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

« به استحضار می‌رساند اینجانب که فرزند جانباز ۲۵ درصد و آزاده می‌باشم خاطر نشان می‌کند که قسمت شرایط اختصاصی آگهی استخدام مقطع درجه داری نیروی انتظامی برخلاف ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران، تبصره ۱ آن و همچنین مغایر با پاورقی ماده ۲۱ مذکور که مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است می‌باشد. پاورقی ماده مذکور مقرر داشته که «چون احکام مندرج در ماده ۲۱ فوق، جامع تر از احکام مندرج در بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران اصلاحی ۱۳۹۰/۱۱/۱۸ و ۱۳۹۱/۸/۱۴ است، لذا بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجساله پنجم برای مجریان قابل استناد نیست، ولی تبصره‌های آن به وقت خود باقی است.» با این توضیح تبصره‌های قانون اصلاح بند (و) ماده ۴۴ به عنوان حکم دائمی به تبصره‌های ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران الحاق گردیده و معافیت‌های مقرر در تبصره ۲ بند (و) ماده ۴۴ به عنوان یکی از تبصره‌های ماده ۲۱ قابل استناد و دارای اعتبار می‌باشد. همچنین طبق ماده ۲ قانون ذکر شده نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (نظامی و انتظامی) نیز جزء دستگاه‌های مشمول این قانون می‌باشند.

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

«از: معاونت نیروی انسانی ناجا - مرکز گزینش و استخدام

به، فرماندهی محترم انتظامی استانها/ یگانها - مع ن ا - مدیریت گزینش و استخدام

موضوع: برنامه جذب و استخدام سال ۱۴۰۰

سلام علیکم

با احترام بدین وسیله برنامه جذب و استخدام سال ۱۴۰۰ ارسال می‌گردد مقتضی است دستور فرمایید به منظور فراهم آوردن زمینه انتخاب پلیس مقتدر، مومن و متعهد در تراز نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و مد نظر قرار دادن تدابیر ابلاغی مبنی بر جذب هوشمندانه و گزینش حقیقی در بستر عضوایی، زمینه تحقق و تأمین سهمیه‌های جذب نیروی انسانی را با رعایت شرایط و ضوابط ابلاغی در ابعاد کمی و کیفی فراهم نمایند.

ثبت‌نام متقاضیان مرد در مقطع درجه‌داری از بین داوطلبان دارای مدرک تحصیلی دیپلم رشته‌های نظری، فنی و حرفه‌ای و کار و دانش آغاز گردید.

۱- شرایط عمومی:

۲- شرایط و ضوابط اختصاصی جذب پیمانی ۵ ساله درجه‌داری مرد

حداقل سن ۱۸ سال و حداکثر ۲۵ سال می‌باشد.

در پاسخ به شکایت مذکور، دبیر هیأت مرکزی گزینش نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به موجب لایحه شماره ۱۴۰۰/۵/۱۱-۲۱/۰۳/۰۵/۶۰۲/۰۱/۶۵۴ توضیح داده است که:

« بر اساس تبصره ۱ ماده ۲۱ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران «آن دسته از فرزندان شاهد، جانبازان از کارافتاده کلی، آزادگان از کار افتاده کلی و فرزندان آنان ... همانند سایر فرزندان شاهد، جانبازان و آزادگان از شرط معافیت حداقل معدل و حداکثر سن بهره‌مند گردند.» و همچنین تبصره بند (و) ماده ۴۴ قانون برنامه پنجم توسعه در شرایط و ضوابط ابلاغی تسهیلات سنی برای خانواده معظم ایثارگران لحاظ شده و آنان را از شرط حداکثر سن معاف دانسته است. برابر بند (ح) ماده ۸۷ برنامه ششم توسعه و همچنین ماده ۳ اساسنامه هیأت مرکزی و هسته‌های گزینش نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در قسمت شرایط و ضوابط اختصاصی برنامه جذب و استخدام سال ۱۴۰۰ نیروی انتظامی استخدام خانواده‌ایثارگران تابع ضوابط ابلاغی بوده و دارای اولویت جذب می‌باشند. همچنین ابلاغیه شماره ۱۳۹۶/۶/۲۲-۱۲۱/۱۰۴۰/۳۶۱۰-ستادکل نیروهای مسلح (در رابطه با مشکلات ایجاد شده ناشی از اجرای برخی از قوانین کشور برای سازمانهای نیروهای مسلح) اعمال قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و مصوبات هیأت وزیران در سطح سازمانهای نیروهای مسلح مستلزم تجویز و ابلاغ موضوع از طریق آن ستاد است. بدین ترتیب هر چند قانونگذار در مقررات اشاره شده در بالا تسهیلات استخدامی را برای خانواده‌ایثارگران پیش‌بینی نموده ولی اجرای این مقررات منوط به ابلاغ بخشنامه‌های سازمانی است که در حال حاضر نسبت به این موضوع از سوی ستاد کل نیروهای مسلح دستورالعمل اجرایی تدوین و ابلاغ نگردیده است. با توجه به مقررات و ضوابط بیان شده و اینکه نیروی انتظامی جزء زیر مجموعه آن ستاد بوده اقدامی در رابطه

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

«از: مدیرکل تدوین و هماهنگی مقررات اداری و استخدامی
موضوع: مرخصی غیراستحقاقی (مرخصی ارفاقی شرایط ویژه کرونا)
مدیر محترم توسعه منابع انسانی شرکت ملی نفت ایران.
مدیر محترم توسعه منابع انسانی شرکت ملی گاز ایران
مدیر محترم توسعه منابع انسانی شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران
مدیر محترم توسعه منابع انسانی شرکت ملی صنایع پتروشیمی
مدیرکل محترم منابع انسانی ستاد

سرپرست محترم اداره کل بهداشت، ایمنی، محیط زیست و پدافند غیرعامل
با سلام، احتراماً پیرو اطلاعیه شماره ت ه م/۲۸۷۳۳۴-۱۴۰۰/۷/۲۶ به پیوست ضمن ایفاد بخشنامه شماره ۳۹۱۵۸ - ۱۴۰۰/۷/۲۷ معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور (موضوع بند ۳ مصوبات هشتاد و نهمین جلسه ستاد ملی مدیریت بیماری کرونا به تاریخ ۱۴۰۰/۷/۲۴) مراتب ذیل جهت استحضار و دستور اقدام مقتضی ایفاد می‌گردد:

۳- شرکتها/ مدیریتهای/ واحدهای سازمانی به طرق مختلف از جمله مطابق اطلاعات کارت واکسن مورد تأیید سامانه اعلامی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ترتیبی اتخاذ نمایند که از روز شنبه اول آبان ماه از حضور کارکنانی که حداقل یک دوز واکسن دریافت ننموده‌اند در محل کار جلوگیری به عمل آورده و در مورد کارکنانی که بدون دریافت واکسن در محل کار حضور می‌یابند (به جز مواردی که به تجویز پزشک دریافت واکسن زیان بار تشخیص داده شود) و یا پروتکل‌های بهداشتی (استفاده از ماسک و فاصل گذاری اجتماعی) را رعایت نمی‌نمایند، مطابق اطلاعیه شماره ت ه م/۲۰۵۵۲۹-۱۳۹۹/۶/۱۶ اقدام لازم معمول نمایند.

علی‌رغم ابلاغ دادخواست و ضمائم آن به وزارت نفت تا زمان رسیدگی به پرونده در جلسه هیأت عمومی، پاسخی از آن مرجع واصل نشده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۶ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

هرچند بند ۳ بخشنامه شماره ت ه م/۲۹۲۲۲۸-۱۴۰۰/۷/۲۹ مدیرکل تدوین و هماهنگی مقررات اداری و استخدامی وزارت نفت در اجرای بخشنامه شماره ۳۹۱۵۸ - ۱۴۰۰/۷/۲۷ سازمان اداری و استخدامی کشور به تصویب رسیده و بخشنامه اخیرالذکر نیز در اجرای مصوبه بالادستی مورخ ۱۴۰۰/۷/۲۴ هشتاد و نهمین جلسه ستاد ملی مدیریت بیماری کرونا وضع شده است، لکن مصوبه ستاد ملی مدیریت بیماری کرونا صرفاً اقدام به تخلف‌انگاری کرده و متضمن حکمی که دلالت بر اختیار دستگاه اجرایی نسبت به جلوگیری از ورود کارمندان دولتی به ادارات باشد، نیست. بنابراین تصویب بند ۳ بخشنامه شماره ت ه م/۲۹۲۲۲۸-۱۴۰۰/۷/۲۹ مدیرکل تدوین و هماهنگی مقررات اداری و استخدامی وزارت نفت خارج از صلاحیت مقام واضع مقرر و مغایر با مصوبه مذکور ستاد ملی مدیریت بیماری کرونا است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

۱۴۰۰/۱۱/۲۷

شماره ۰۰۰۰۹۳۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۹۷۹ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۶ با موضوع: «تعیین سقف سنی برای استخدام فرزندان شهدا، جانبازان و ایثارگران در آگهی استخدام سال ۱۴۰۰ نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶ شماره دادنامه: ۲۹۷۹ شماره پرونده: ۰۰۰۰۹۳۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای صابر فعله‌گری

با خواسته نامبرده متصور نمی‌باشد. لذا خواهشمند است با عنایت به مطالب عنوان شده در این خصوص نسبت به صدور حکم اقدام فرمایید.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۶ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه براساس بند «ح» ماده ۸۷ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ مقرر شده است که: «ایثارگران و فرزندان شهدا مشمول قوانین، مقررات و ضوابط استخدامی خاص مربوط به خود بوده و کلیه دستگاههای مشمول ماده ۲ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مکلف به انجام آن هستند» و با عنایت به حکم مقرر در ماده ۲ قانون اخیرالذکر مصوب ۱۳۸۶/۴/۳ که براساس آن، «نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (نظامی و انتظامی)» مشمول قانون مذکور اعلام شده‌اند و با لحاظ حکم تبصره ۱ ماده ۲۱ قانون مزبور که اشعار می‌دارد: «آن دسته از فرزندان شاهد، جانبازان از کارافتاده کلی، آزادگان از کارافتاده کلی و فرزندان آنان که علاوه بر سهمیه استخدامی این ماده با کسب حدنصاب قبولی و امتیازات لازم در آزمونهای استخدامی پذیرفته شوند، می‌توانند همانند سایر فرزندان شاهد، جانبازان و آزادگان از شرط معافیت حداقل معدل و حداکثر سن بهره‌مند گردند»، بنابراین تعیین سقف سنی برای استخدام فرزندان شهدا، جانبازان و ایثارگران در آگهی استخدام سال ۱۴۰۰ نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مغایر با قانون و خارج از حدود اختیار مقام تصویب‌کننده آن بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۰۰۰۲۰۰۷

۱۴۰۰/۱۱/۲۷

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۹۸۰ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۶ با موضوع: «بند ۱۰ مصوبه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۵ هیأت رئیسه دانشگاه بیرجند (ابلاغی به شماره ۱۳۹۷/۵/۲۹۶۳۷-۱۳۹۷/۱۲/۲۸) از آن جهت که براساس آن کلیه اعضای که عضو هیأت رئیسه دانشگاه نیستند، از حق ذخیره مرخصی محروم شده‌اند ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶ شماره دادنامه: ۲۹۸۰ شماره پرونده: ۰۰۰۲۰۰۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای محمدعلی خالدی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۱۰ مصوبه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۵ هیأت رئیسه دانشگاه بیرجند (ابلاغی به نامه شماره ۱۳۹۷/۵/۲۹۶۳۷-۱۳۹۷/۱۲/۲۸)

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال بند ۱۰ مصوبه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۵ هیأت رئیسه دانشگاه بیرجند (ابلاغی به نامه شماره ۱۳۹۷/۵/۲۹۶۳۷-۱۳۹۷/۱۲/۲۸) را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«به استحضار می‌رساند ماده ۸۴ قانون مدیریت خدمات کشوری و همچنین ماده ۵۶ آیین‌نامه استخدامی اعضای غیرهیأت علمی دانشگاه‌های استان خراسان جنوبی از سی روز حق مرخصی کاری برای کارکنان دستگاه‌های اجرایی سخن گفته و در آیین‌نامه مزبور نیز به طور خاص برای کارکنان دانشگاه‌های استان خراسان جنوبی چنین حقی ذکر شده است و در ادامه نیز قابلیت ذخیره نیمی از این میزان مرخصی را تجویز نموده است که تعداد استفاده از کلمه «مرخصی استحقاقی» و نیز جواز ذخیره نیمی از این میزان مرخصی، بیانگر اختیار کارمندان در تعیین زمان و مقدار روزهای مرخصی استحقاقی خود می‌باشد ضمن اینکه در ماده ۵۶ آیین‌نامه مزبور هیچ نوع الزام و اجباری از حیث مکلف و موظف نمودن کارمندان به درخواست یا استفاده اجباری از مرخصی استحقاقی مشهود نمی‌باشد. با همه وضوح این موارد ملاحظه می‌گردد هیأت رئیسه دانشگاه به معاونت اداری و مالی برخلاف بند ۷ ماده ۱ آیین‌نامه استخدامی اعضای غیرهیأت علمی دانشگاه‌های استان خراسان جنوبی که هیأت رئیسه را دومین «رکن اجرایی» مؤسسه

تعریف کرده، خارج از حیطه و اختیارات خود برخلاف قانون و آیین‌نامه اقدام به قانونگذاری نموده که این اقدام خارج از حیطه اختیارات آن می‌باشد و زمینه سوء استفاده امور اداری دانشگاه را فراهم نموده است به صورتی که در اجرای این مصوبه امور اداری دانشگاه طی نامه شماره ۱۳۹۸/۵/۲۵۸ - ۱۳۹۸/۱/۲۰ مدیران واحدها را الزام به استفاده کارکنان از تمام مرخصی خود در طی سال و به خصوص ایامی مشخص از سال از قبیل تابستان نموده است به این صورت که با ۵ و حداکثر ۱۰ روز مرخصی تشویقی به کارمندان آنها را مجبور به استفاده از مرخصی استحقاقی برای یک ماه تعطیلات تابستان می‌نمایند.

متن مقررره مورد شکایت به شرح زیر است:

بند ۱۰ مصوبه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۵ هیأت رئیسه دانشگاه بیرجند (ابلاغی به نامه شماره ۱۳۹۷/۵/۲۹۶۳۷-۱۳۹۷/۱۲/۲۸):

.....

۱- ذخیره مرخصی از سال ۱۳۹۸ به بعد فقط در مورد اعضای هیأت رئیسه دانشگاه اعمال خواهد گردید.

علی‌رغم ابلاغ دادخواست و ضامن آن به دانشگاه بیرجند تا زمان رسیدگی به پرونده در جلسه هیأت عمومی، پاسخی از آن مرجع واصل نشده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۶ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

اولاً: براساس ماده ۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰، دانشگاهها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، بدون رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاههای دولتی و فقط در چهارچوب مصوبات و آیین‌نامه‌های مصوب هیأت امانا عمل می‌کنند و در نتیجه مصوبات هیأت‌های امانی دانشگاهها برای نهادها و هیأت‌های هر دانشگاه لازم‌الاتباع است. ثانیاً: مطابق ماده ۵۵ آیین‌نامه استخدامی اعضای غیرهیأت علمی دانشگاه بیرجند (مصوب ۱۳۹۷/۶/۱۸ هیأت امانی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی استان خراسان جنوبی): «عضو به ازای یک ماه خدمت از ۲/۵ روز کاری (۳۰ روز کاری در سال) مرخصی استحقاقی با استفاده از حقوق رتبه و پایه، فوق‌العاده‌ها و مزایای مندرج در حکم یا قرارداد حسب مورد برخوردار می‌شود که باید مطابق با برنامه زمانی اعلام‌شده و موافقت مؤسسه از آن استفاده کند» و به موجب ماده ۵۶ آیین‌نامه مذکور: «در صورت درخواست عضو برای استفاده از مرخصی استحقاقی سالانه و موافقت نکردن رئیس مؤسسه یا مقام مجاز از طرف وی، صرفاً تا ۱۵ روز از مرخصی استفاده نشده عضو رسمی و پیمانی ذخیره یا بازخرید می‌شود و درخصوص عضو قراردادی صرفاً تا ۱۵ روز از مرخصی استفاده‌نشده بازخرید می‌شود» و در نتیجه بر مبنای موازین حقوقی مزبور، نیمی از مرخصی استحقاقی کلیه اعضای غیرهیأت علمی قابل ذخیره است. ثالثاً: براساس رأی شماره ۳۵۱-۱۴۰۰/۳/۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، بند ۴ صورتجلسه شماره ۱-۹۵ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۵ هیأت رئیسه دانشگاه مراغه به این علت ابطال شده است که بدون توجه به شروط مقرر در آیین‌نامه استخدامی اعضای غیرهیأت علمی دانشگاه مراغه (درخواست عضو برای استفاده از مرخصی استحقاقی سالانه و موافقت نکردن رئیس مؤسسه یا مقام مجاز) و با کاهش سقف مقرر در آن ماده که امکان ذخیره‌سازی و بازخرید مرخصی‌ها تا ۱۵ روز تعیین شده، امکان ذخیره مرخصی برای برخی از افراد دارای مسئولیتهای اجرایی بدون تحقق شروط مذکور و در سقفی کمتر از سقف مقرر، پیش‌بینی شده است و براساس رأی شماره ۲۳۱۹-۱۴۰۰/۸/۱۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز اعلام شده است که: «نامه شماره ۹۸/۸/۱۹۸-د/۹۸/۴/۱۳ مدیر امور اداری و پشتیبانی دانشگاه اراک در رابطه با ابلاغ مصوبه هیأت رئیسه این دانشگاه درخصوص بازه زمانی استفاده از مرخصی استحقاقی اعضای هیأت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی شده، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است.» بنا به مراتب فوق، بند ۱۰ مصوبه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۵ هیأت رئیسه دانشگاه بیرجند (ابلاغی به شماره ۱۳۹۷/۵/۲۹۶۳۷-۱۳۹۷/۱۲/۲۸)، از آن جهت که براساس آن کلیه اعضای که عضو هیأت رئیسه دانشگاه نیستند، از حق ذخیره مرخصی محروم شده‌اند، خارج از حدود اختیار و مغایر با قانون است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری